



دبیر بخش: فرزاد رضانی

کابل و ارتش قدرت‌مند

ارتش ۴۰۰ هزار نفری افغان با توجه به حجم گسترده‌ی بی‌کاری و کمک‌های بین‌المللی عملاً به نوعی در خدمت این کشور و جای‌گاه بین‌المللی کابل خواهد بود.

افغانستان سرزمینی که پس از سال‌ها ورود نیروهای بین‌المللی و ناتو به آن، همچنان فاقد ارتش قدرت‌مند و ملی می‌باشد. نبود ارتشی که بتواند با استفاده از نیروهای بومی و داخلی این کشور فرآیند تأمین امنیت را در این کشور انجام دهد، کاملاً چشم‌گیر است. در این میان کافی است نگاهی به گذشته‌ی این کشور داشته باشیم. افغانستان که از سه دهه‌ی گذشته همواره با تنش‌های داخلی، جنگ‌ها و معادلات بین‌المللی روبه‌رو بوده است، ارتش نظام‌مند و کلاسیک خود را از دست داده است، به طوری که هم‌اکنون فرآیند تأمین امنیت و مبارزه با بنیادگرایان و طالبان در مرزهای جنوبی و مناطق شرقی این کشور بیش‌تر بر عهده‌ی نیروهای بین‌المللی است.



عراق، اتحادها و ائتلاف‌ها

فرصت باقی مانده تا زمان انتخابات عراق در اسفند ماه جاری و به دست آوردن کرسی‌های لازم برای کسب اکثریت و پست نخست‌وزیری آینده‌ی کشور، موجب شده است تا انتخابات پارلمانی در نظام پارلمانی عراق مهم‌ترین روی‌داد عراق پس از صدام تلقی شود. در این میان نگاه احزاب قدرت‌مند، به‌ویژه احزاب شیعی برای کسب اکثریت پارلمان باعث شده است تا از ماه‌های گذشته اتحادها و ائتلاف‌هایی در این کشور شکل بگیرد. ائتلاف‌هایی هم‌چون ائتلاف ملی عراق که در واقع آلترناتیو ائتلاف عراق یک‌پارچه بود با شرکت احزابی همانند مجلس‌اعلای اسلامی عراق، جریان صدر و ... که توسط طرفداران جناح‌های یاد شده تشکیل شد. در عین حال نوری المالکی نخست‌وزیر هم با تشکیل ائتلاف دولت قانون، ائتلاف مهم دیگری را تشکیل داده است. بی‌شک این دو ائتلاف مهم‌ترین ائتلاف‌های شیعیان و کل عراق به شمار می‌روند. در این میان به نظر می‌رسد رفت و آمدها و مذاکرات سیاسی بین شخصیت‌هایی همانند عمارحکیم، نوری مالکی، دیدار با آیت‌الله سیستانی ممکن است دو ائتلاف دولت قانون و ائتلاف ملی عراق را یک‌پارچه کند. در این میان بارزاتی رییس منطقه‌ی خودمختار کردستان از عمار حکیم خواسته است تا جبهه‌ی ملی عراق را تشکیل دهند. آن‌چه مشخص است فضای سیاسی عراق تا زمان انتخابات عراق هم‌چنان سیال و پویا است و احتمال شکل‌گیری ائتلاف‌های تازه‌تر و دسته‌بندی‌های جدیدتر وجود دارد.



کاراکاس و بوگوتا، دور موازی ارتش

دولت هوگو چاوز در ونزوئلا که از زمان روی کار آمدن که همواره یکی از مهم‌ترین کشورهای چپ‌گرای منطقه بوده است موجب اعمال سیاست‌های چپ‌گرایانه در منطقه شده است. چاوز از آغاز قدرت‌گیری در ونزوئلا همواره در حال تقویت دولت‌های چپ‌گرا در منطقه همانند بولیوی است. در این میان اتحادیه‌ی آمریکای لاتین با حضور کشورهای همانند کوبا، بولیوی، ونزوئلا، اکوادور و ... توانسته است به نوعی به مواجهه با سیاست‌های ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن مانند کلمبیا بپردازد. کلمبیا و ونزوئلا در یک سال گذشته همواره با تنش‌های مداومی روبه‌رو بوده‌اند. تنش‌هایی که پس از انتشار خبرهایی مبنی بر اجاره‌ی پایگاه‌های کلمبیا توسط نیروهای نظامی ایالات متحده، این دولت ونزوئلا بود که خطر را در کمین خود دید و چاوز رابطه را بر خلاف منافع ملی و تمامیت ارضی ونزوئلا دانست. این تنش‌ها همچنان بین دو کشور تاکنون ادامه داشته است، به طوری که هم‌اکنون نیروها و توان نظامی گسترده‌ای در دو سوی مرزهای کلمبیا و ونزوئلا در حال آماده باش به سر می‌برند. علاوه بر آن چاوز با اعلام آماده‌گی شهروندان کشورش برای مقابله



در این میان استراتژی خروج نیروهای آمریکا از این کشور در کنار تمایل مقامات واشنگتن به استفاده و به‌کارگیری بیش‌تر از ارتش بومی افغانستان موجب شده است تا در چند سال گذشته توجه به بازسازی و قدرت‌مندی ارتش افغانستان مورد توجه قرار گیرد. در این راستا قرار است ایالات متحده ۱۶ میلیارد دلار در ۵ سال آینده برای آموزش، گسترش و تجهیز ارتش افغانستان سرمایه‌گذاری کند. این سرمایه‌گذاری بی‌شک ارتش افغانستان را بی‌نیاز از کمک‌های قدرت‌مند خارجی و ناتو برای تأمین امنیت کشور خواهد کرد و از سوی دیگر یکی از بهانه‌های اصلی طالبان (وجود نیروهای خارجی در کشور) را از دست آنان خواهد گرفت. قابل ذکر است تشکیل

حضور هوجین تائو رییس جمهور چین در مراسم افتتاح آن و سپس افزایش سرمایه‌گذاری پکن در میدان‌های نفت و گاز ترکمنستان ادامه یافته است. در این میان علاوه بر چین، خط لوله‌ی انتقال گاز دوم ترکمنستان به ایران نیز افتتاح گردیده است. خط لوله‌ای که با صادرات گاز ترکمنستان به ایران، اقتصاد ترکمنستان را با افزایش صادرات و سود روبه‌رو خواهد کرد. آن‌چه در این میان مهم و اساسی به نظر می‌رسد کاهش وابستگی دیرین عشق آباد به مسکو است. وابستگی‌ای که عشق آباد را بر آن داشته بود تا در بسیاری از حوزه‌های مهم رأی و نظر مسکو را در حوزه‌ی اعمال سیاست‌ها بر خواسته‌ها و انتظارات ملی‌اش ترجیح دهد، چرا که روس‌ها همواره از اهرم‌ها و ابزارهای مهمی در این مورد استفاده می‌کردند.



این گروه تروریستی برای حضور در کشور یمن شده است. به‌ویژه این‌که یمن بر سر راه سومالی قرار دارد سومالی‌ای که اینک جولان‌گاه جنبش الشباب (متحد اصلی القاعده در آفریقا) است. به‌رحال آن‌چه مشخص است سیاست‌های فعلی دولت یمن نتوانسته است رشد القاعده در یمن را متوقف کند. این امر در حالی صورت می‌گیرد که هرچند اوپاما و سایر مقامات آمریکا از دخالت مستقیم نظامی در یمن سخنی نگفته و حتا آن را رد کرده‌اند اما به نظر می‌رسد ادامه‌ی ناآرامی‌ها در یمن می‌تواند حضور نیروهای آمریکایی را در این کشور افزایش دهد.



تاجیکستان، تلاش‌ها در راستای خودکفایی
تاجیکستان کشوری که در قلب آسیای میانه قرار دارد کشوری فقیر و وابسته است که همواره پس از فروپاشی شوروی با مشکلات بسیاری روبه‌رو بوده است. مشکلاتی که حتا پس از پایان جنگ داخلی این کشور هم‌چنان ادامه یافته و باعث شده است که عملاً نزدیک به ۱/۵ میلیون از شهروندان این کشور برای کار به روسیه مهاجرت کنند. در این حال با افزایش توجه این کشور به پتانسیل‌های داخلی و آبی این کشور (نزدیک به ۶۰ درصد آب‌های آسیای مرکزی در تاجیکستان وجود دارد) مقامات دولت امام علی رحمان‌اوف در صدد توجه به برنامه‌ی وسیع سدسازی و نیروگاه‌های تولید انرژی هستند. به‌طوری‌که از سال‌های گذشته، دوشنبه با کمک گرفتن از دولت‌های قدرتمند منطقه‌ای و جهانی گام‌های بزرگی را در این راستا برداشته است. اکنون فقر انرژی و وابستگی این کشور به انرژی تاحدی کاهش یافته است. در این راستا نیروگاه‌هایی هم‌چون سنگ توده‌ی شماره یک با کمک روسیه افتتاح شده است و سنگ توده‌ی شماره دو نیز با کمک ایران در حال ساخت

ترکمنستان، تعدد شرکای گازی
نگاه ترکمن‌ها و دولت عشق آباد به روسیه در دو دهه‌ی گذشته همواره نگاهی از سر ترس بوده است، چرا که روس‌ها خریدار اصلی گاز این کشور بوده‌اند. در این میان از چند سال گذشته با افزایش سرمایه‌گذاری در منابع هیدروکربنی ترکمنستان، به‌ویژه گاز، اندک اندک عشق آباد از زیر سایه و چتر روس‌ها بیرون آمده است. این راه‌برد ژئوپولی‌تیک در نظر استراتژیست‌های ترکمن بی‌شک با هم‌کاری چین و ایران تا حد زیادی موفقیت آمیز بوده است. افتتاح خط لوله‌ی گاز ۷۰۰۰ کیلومتری از ترکمنستان به چین از راه کشورهای ازبکستان و قزاقستان گام‌های مهمی در این راستا برداشته شده است. گامی که با

با حمله‌ی آمریکا بر این نظر است که واشنگتن با هم‌کاری دولت هلند می‌کوشد تا از جزایر شمالی و مستعمره‌ی دولت هلند به کشورش حمله کند. آن‌چه مشخص است ادامه‌ی تنش در مرزهای بین دو کشور همسایه می‌تواند کل منطقه‌ی آمریکای لاتین را با تنش مواجه کند. تنش‌هایی که بی‌شک با دخالت و نفوذ ایالات متحده‌ی آمریکا می‌تواند مردم و دولت‌های چپ‌گرای منطقه‌ی آمریکای لاتین را با واکنش‌هایی متقابل روبه‌رو شوند.



القاعده و جنوب یمن

هر چند سال‌ها است که از نفوذ القاعده در جنوب یمن رسانه‌ها و محافل خبری جهان آخباری را گزارش یا انتشار داده‌اند، اما با حمله‌ی ناکام مهاجم جوان نیجریه‌ای به هواپیمایی در ایالات متحده این توجه بیش‌تر و بیش‌تر شد. چرا که به‌اعتراف وی او در یمن آموزش دیده است و ده‌ها نفر دیگر نیز همانند وی در این کشور در حال آموزش هستند. پس از این حادثه همه‌ی نگاه‌ها به یمن معطوف شد، یمنی که دولت علی عبدالله صالح هنوز پس از گذشت ماه‌ها و طی عملیات گوناگون نتوانسته سات با نیروهای مخالف و چریک‌های شیعه‌ی حوثی مبارزه کند و این جنگ هم‌چنان ادامه دارد. بی‌تردید توجه زیاد دولت صنعا به شمال یمن، جنوب و شرق این کشور را جولان‌گاه نیروهای القاعده کرده است. هر چند نیروهای دولتی یمن بارها با حمله به پای‌گاه‌های القاعده کوشیده‌اند تا نیروهای القاعده را با شکست روبه‌رو کنند، اما آن‌چه مشخص است سیاست‌های غلط دولت در اداره‌ی مناطق مختلف و افزایش نارضایتی در بین جنوب و منطقه‌ی عدن می‌باشد که با افزایش تمایلات جدایی‌خواهانه روبه‌رو است. به‌علاوه سیاست‌های سرکوب‌گرانه و اقتدارگرایانه‌ی دولت علی عبدالله صالح عملاً باعث توجه شهروندان یمنی به نیروهای القاعده و افزایش محبوبیت



دیپلماسی حریری

سعدالعدین حریری نخست وزیر لبنان و از رهبران ائتلاف ۱۴ مارس این کشور پس از انتخاب شدن به مقام نخست وزیری و تشکیل کابینه، کوشیده است تا با دیدار از پایتخت‌های مهم و تأثیرگذار در روند سیاسی کشورش از ابتدا دیپلماسی فعالی را به نمایش بگذارد. در این میان پس از سفر حریری به ریاض، سفر به دمشق و دیدار با بشار آسَد حایز اهمیت بسیاری است. اهمیت از آن جایی ناشی می‌شود که در طول چندسال گذشته و پس از قتل حریری پدر، همواره انگشت اتهام از سوی ائتلاف ۱۴ مارس به سوی سوریه نشانه رفته بود و حتا در این میان فشارهایی از سوی شورای امنیت سازمان ملل، بروکسل و واشنگتن بر دمشق وارد شد. فشارهایی که موجب شد تا روابط دمشق و واشنگتن تیره شود و تحریم‌های این کشور بر دمشق افزایش یابد.



بهبود روابط دمشق با دولت جدید لبنان به رهبری سعد حریری خواه ناخواه به کاهش تنش در میان روابط دمشق با آمریکا خواهد انجامید، چراکه دیپلماسی خاورمیانه‌ی اوپاما بر اساس حمایت‌های مؤثر از دولت حریری استوار شده است. بی‌گمان با کاهش تنش‌های سوریه- لبنان لغو تحریم‌های سوریه از سوی آمریکا در دستور کار قرار گرفت. تحریم‌هایی که مقامات سوری بر لغو آن امید دارند. علاوه بر آن بهبود رابطه‌ی دمشق - بیروت به نوعی به کاهش اختلافات بین دو جناح ۱۴ مارس و ۸ مارس کمک خواهد کرد، چراکه سوریه هم‌چنان یکی از حامیان اصلی ۸ مارس در لبنان بوده است.

عادی زمان زیادی خواهد برد. زمانی که عملاً در صورت بی‌توجهی کشورهای مختلف جهان، هائیتی را را با بحران‌های متعدد دیگری مانند هرج و مرج و آشوب‌های داخلی روبه‌رو خواهد ساخت و ادامه‌ی حیات سیاسی، اقتصادی و غذایی جمعیت باقی مانده از زمین‌لرزه را با خطرهای بی‌شماری مواجه خواهد کرد.



مینسک و مسکو، تنش‌های تازه

روسیه و روسیه‌ی (بلاروس) سفید هر چند عضوی از کشورهای هم‌سو به شمار می‌روند و هر دو کشور دارای روابطی نزدیک با هم‌دیگر بوده‌اند، اما این روابط در پرتو سیاست‌های انرژی روسیه در آغاز سال جدید میلادی با تنش‌هایی با همسایه‌ی غربی روبه‌رو شد. از آن‌جا که روسیه به عنوان کشوری دارنده‌ی انرژی هیدروکربنی و صادرکننده است از کشور بلاروس به عنوان واسطه و ترانزیتی به کشورهای لهستان و آلمان استفاده می‌کند. دو کشور متحد، یعنی روسیه و روسیه‌ی سفید (بلاروس) قراردادی را در زمینه‌ی انتقال نفت با یک‌دیگر داشتند، اما با پایان این قرارداد دو کشور با در نظر گرفتن خواسته‌ها و پیشنهادهای جدید خواستار تنظیم قراردادی جدید شده‌اند. مسکو که همواره از سلاح گاز و انرژی در مبادلات انرژی خود با همسایه‌گان استفاده می‌کند در این راستا فشارهایی را بر مینسک در جهت خواسته‌های خود وارد کرده و در مقابل مقاومت بلاروس دست به تهدیدهایی پنهانی و آشکار علیه این کشور زده است. اگرچه بخشی از این تهدیدها عملی شده و ارسال نفت به این کشور را متوقف کرده است، اما در مقابل فشارهای روسیه، بلاروس هم اعلام کرده است که در روند انتقال برق و انرژی برابر توافقی‌های به عمل آمده‌ی قبلی به منطقه‌ی کالین‌گراود تجدید نظر خواهد کرد. بی‌شک این اختلافات تأثیر مهمی در روابط سیاسی اقتصادی دو کشور همسایه خواهد داشت و پتانسیل افزایش اختلافات را در سایر سطوح سیاسی، اقتصادی و شاید هم پیمان‌های نظامی برای دو کشور فراهم خواهد کرد.

است. به‌علاوه پس از دهه‌ها ناکامی اکنون دولت تاجیکستان درصدد است تا با فروش سهام سد و نیروگاه راغون (بزرگ‌ترین سد منطقه آسیای مرکزی) به شهروندان خود و یاری گرفتن از اعتبارهای جهانی و بین‌المللی، جدا از خودکفایی در عرصه‌ی تولید انرژی، خود صادرکننده‌ی انرژی به کشورهای همسایه هم‌چون افغانستان شود. این روند بی‌شک دولت دوشنبه را با چالش‌ها و مخالفت‌هایی از سوی ازبکستان روبه‌رو کرده است، به ویژه این که ازبک‌ها بر این نظر هستند که احاطه‌ی تاجیک‌ها بر منابع آبی آسیای مرکزی موجب افتادن اهرم آب رودخانه‌های مشترک در دستان آن‌ها خواهد شد.



هائیتی، دست‌خوش زمین‌لرزه

هائیتی یکبار فقیرترین کشورهای کوچک در آمریکای لاتین است که جمعیت آن از ۹ میلیون نفر تجاوز نمی‌کند. زلزله‌ی ۷/۳ ریشتری با تأثیرگذاری مخرب خود بر یک سوم جمعیت این کشور و ویرانی وحشت‌انگیز پایتخت عملاً حیات سیاسی و اقتصادی این سرزمین مصیبت‌زده‌ی آمریکای لاتین را با مشکلات و موانع خطرناک و متعددی روبه‌رو کرده است. هرچند شمار کشته شده‌گان دقیق این زمین‌لرزه مشخص نیست، اما حجم انبوه آواره‌گان، خرابی‌ها و ویرانی‌ها و اعلان آمارهای اولیه مبنی بر کشته شدن دست‌کم ۲۰۰/۰۰۰ انسان و زخمی و آواره شدن بیش‌تر از ۱/۵ میلیون نفر توجه کشورهای مختلف جهان را به بحران طبیعی این کشور برانگیخته است. بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه آمریکا کوشیده‌اند تا با کمک‌های خود که تاکنون افزون بر صدها میلیون دلار نقدی و کمک‌های فراوان جنسی، غذایی، پوشاک و انسانی می‌شود راه حلی برای مقابله با مشکلات این کشور پیدا کنند. اما به نظر می‌رسد حجم خسارات اقتصادی بر بخش‌های گسترده‌ای از این کشور آن‌چنان سنگین و وسیع بوده است که تا زمان برگشت این کشور به حالت

کشور همواره به عنوان اهرمی بر ضد سیاست‌های پکن مورد استفاده‌ی ایالات متحده بوده است و واشنگتن با عقد قراردادهای و تعهدنامه‌هایی همواره توازن قوای نظامی و ژئوپولی‌تیکی تایوان را در مقابل چین در تنگه‌ی استراتژیک تایوان برقرار می‌کرده است. این حمایت‌ها همواره مورد انتقاد سیاست‌مداران چینی بوده است و این سیاست با توجه به روی‌کرد چین در مورد پیوستن جزیره‌ی تایوان به خاک اصلی خود موجب شده است تا حتا روابط نظامی چین با آمریکا نیز قطع شود، چنان‌که در دولت بوش جمهوری خواه با امضای قرارداد واگذاری ۷ میلیارد دلار موشک پاتریوت به تایوان، این چین بود که در اعتراض به این قرارداد روابط نظامی خود را با آمریکا قطع نمود. هرچند پکن با توجه به عمق روابط اقتصادی خود (۴۰۰ میلیارد دلار) تلاش کرده است تا این مسایل روابط میان دو کشور را خدشه‌دار نکند، اما هم‌چنان بر اعتراض‌های خود نسبت به روی‌کرد واشنگتن در تسلیح تایوان به جنگ‌افزارها و سامانه‌های دفاعی و تهاجمی پیش‌رفته اعتراض کرده است.



اعتراضی که در چند هفته‌ی اخیر هم از سوی وزارت دفاع و وزارت خارجه‌ی چین در مورد اجرای فروش تسلیحات پاتریوت به تایوان صورت گرفته است. اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد حمایت‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی واشنگتن از تاییه است، چرا که واشنگتن همواره از افزایش قدرت چندبعدی چین هراس دارد.



پکن و قاره‌ی سیاه

چینی‌ها هرچند تاکنون حضور زیادی در قاره‌ی آفریقا نداشته‌اند اما در چند سال اخیر و به‌ویژه در پرتو رشد اقتصادی بسیار بالا و نیاز به مواد اولیه‌ی



عراق به سوی انتخابات

بی‌گمان انتخابات آینده‌ی عراق و سرنوشت آن مهم‌ترین چالش فرصت باقی مانده در فضای سیاسی عراق است. چالشی که احزاب و گروه‌های قومی مذهبی عراق را به تکاپو واداشته تا با افزایش فعالیت خود سهم خود را در پارلمان آینده و بی‌گمان در نظام سیاسی تازه‌ی پس از انتخابات پارلمانی افزایش دهند. پس از تصویب قانون انتخابات عراق در پارلمان (که با چالش‌های متعددی روبه‌رو شد و حتا به وتوی آن از سوی طارق العاصی (هاشمی) معاون رئیس جمهور عراق انجامید)، اینک با رأی هیئات عدالت و بازخواست عراق مبنی بر محرومیت ۱۴ جریان و تشکل سیاسی به دلیل طرف‌داری از اندیشه‌های بعثی، به نظر می‌رسد فضای سیاسی عراق تا حدی از سوی این احزاب و جریانات کوچک عمدتاً عرب سنی با چالش‌های تازه‌ای مواجه شده است. در میان این فهرست، جنبش العراقیه یکی از جریان‌های سیاسی اعراب سنی تهدید کرده است که در صورت ادامه‌ی ممنوعیت المطلق یکی از رهبران جبهه‌ی ملی از انتخابات پارلمانی، انتخابات را تحریم خواهد کرد. آنچه مشخص است، فضای سیاسی عراق از اکنون تا ماه مارس (اسفند ماه) با فعالیت بیش‌تر احزاب و جریان‌های سیاسی روبه‌رو خواهد بود. جریان‌هایی که هریک در اندیشه‌ی سهم بیش‌تر در قدرت آینده‌ی عراق هستند.



پکن و فروش تسلیحات آمریکا به تایوان

دهه‌ها است که ایالات متحده از تایوان به عنوان یک متحد استراتژیک و راه‌بردی در مقابل چین کمونیست بهره گرفته است. به طوری‌که این



گرجستان و روسیه، کاهش تنش

تفلیس و دولت برآمده از انقلاب رنگی این کشور سال‌ها است که رابطه‌ی بسیار پرتنشی با روسیه داشته است و دارند و این رابطه‌ی پرتنش حتا منجر به جنگ بین دو کشور در تابستان سال ۲۰۰۸ شد. تابستانی که با هجوم نیروهای روسیه و شکست قطعی گرجستان عملاً دو جمهوری خودمختار اوستیای جنوبی و آبخازیا از مام وطن، گرجستان جدا شدند. این تحولات و شکست نیروهای گرجی از روس‌ها باعث شد دولت گرجستان در طول ۱/۵ سال گذشته با افزایش فشارهای داخلی مواجه شود. فشارهایی که از سوی اپوزیسیون مخالف غرب صورت می‌گیرد و خواستار استعفای ساکاشویلی رئیس جمهور و سایر مقامات غرب‌گرا است. در حال ساکاشویلی با توجه به حمایت غرب اگرچه محبوبیتی بین شهروندان گرجی ندارد، اما هم‌چنان بر اریکه‌ی قدرت تفلیس تکیه زده است و به نظر می‌رسد با توجه به نزدیک بودن انتخابات محلی در این کشور ساکاشویلی و همراهان غرب‌گرای وی با نگاهی برآمده از واقعیت‌های ژئوپولی‌تیکی و ساختاری قصد کاهش تنش در روابط خود با مسکو را داشته باشند. روابطی که هم‌چنان سرد است. اما به نظر می‌رسد دو طرف قصد کاهش تنش‌ها را دارند زیرا برقراری دوباره‌ی پروازهای بین دو کشور و صحبت از باز شدن گذرگاه‌های مرزی دو کشور در آینده‌ای نزدیک این پیش بینی را تقویت کرده است. در صورت ادامه‌ی سیاست تنش‌زدایی از سوی مسکو این روند می‌تواند یخ‌های روابط دو کشور را با وجود دشمنی و مسایل تفرقه انگیز مختلف دیگر به تدریج آب کرده و به کاهش مشکلات دو کشور در قفقاز بیانجامد.

۳۰
شماره
۸۲
و
۸۳

چهره‌ی قدرت بین‌المللی روسیه کاسته شده و در عین حال از اهمیت قدرت چندبعدی موشکی این کشور نیز کاسته شده اما پتانسیل بالفعل مسکو در تهدیدهای امنیتی علیه اروپا باعث خواهد شد ایالات متحده و غرب هم‌چنان خواهان امضای معاهده‌ی جدید استارت شوند.



۳۱

پروتکل عادی‌سازی، ایروان و آنکارا

با امضای پروتکل عادی‌سازی روابط ارمنستان با ترکیه از سوی دادگاه قانون اساسی ارمنستان به‌نظر می‌رسد ارمنستان و دولت این کشور تلاش‌های خود را با وجود افزایش مخالفت‌های داخلی و خارجی (ارمنی‌های خارج‌نشین و دیاسپورا و لابی قدرت‌مند در سراسر جهان) در جهت تصویب این پروتکل افزایش داده است. ارمنستان که در چند ماه گذشته همواره از سوی مخالفان و اپوزیسیون مورد مخالفت‌های مکرر بوده است اینک با تصویب پروتکل تاریخی عادی‌سازی روابط با ترکیه که از سوی وزیران خارجه‌ی دو کشور در سویس به امضا رسید تلاش می‌کند تا ترکیه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد و در عمل توپ را در زمین ترک‌ها قرار دهد. ترک‌ها نیز که از طرف اپوزیسیون‌های پارلمانی و حزبی دولت اردوغان با فشارهای زیادی در قبال امضای پروتکل عادی‌سازی روابط با ارمنستان روبه‌رو هستند، اکنون در مورد آینده‌ی پروتکل تردیدهایی دارند؛ تردیدهایی که بی‌گمان بر روابط آن‌ها با دولت دوست و متحدشان آذربایجان لطمه وارد خواهد کرد. در این میان با توجه به اشاره‌ی وزیر خارجه‌ی ترکیه درباره‌ی تردید در تصویب پروتکل تاریخی از سوی پارلمان ترکیه، به‌نظر می‌رسد این ترکیه است که پای خود را کم‌کم از پروتکل کنار می‌کشد، پروتکلی که مخالفان دولت ارمنستان نیز هم‌چون دولت ترکیه آن را مخالف تمامیت ارضی

امضای یادداشت تفاهمی بین مسکو و آنکارا همراه بود مسلماً آینده‌ی طرح‌های هسته‌ای ترکیه را روشن‌تر خواهد کرد. به‌گونه‌ای که در این کشور، امیدها برای دست‌یابی به انرژی اتمی افزایش یافته است. از طرف دیگر، چنان‌چه رویه‌های قبلی در این کشور نشان داده است، یادداشت تفاهم جدید بین مسکو و آنکارا ممکن است با چالش‌ها و موانع جدیدی از سوی محافل داخلی ترکیه روبه‌رو شود. موانعی که سال‌ها برنامه‌ی هسته‌ای این کشور را به عقب انداخته است. افزون بر آن، اهرم و بازی دوگانه‌ی روس‌ها با اهرم‌های متعدد، می‌تواند نظر ترکیه را در قبال آینده‌ی تفاهم جدید بین دو کشور با تردید روبه‌رو سازد.



آلترناتیو استارت

با وجود گذشت ماه‌ها از آغاز مذاکرات جدی بین مسکو و واشنگتن در جهت تجدید معاهده‌ی استراتژیک استارت هنوز نشانه‌هایی از امضای معاهده‌ی جدید آشکار نشده است. معاهده‌ی پیشین استارت که در دسامبر ۲۰۰۹ به پایان رسید، هرچند توسط رؤسای جمهور دو کشور اصلی (آمریکا و شوروی) تا زمان عقد پیمان جدید لازم‌الاجرا می‌باشد، اما به نظر می‌رسد با لغو برنامه‌ی سپر موشکی آمریکا در شرق اروپا هم‌چنان روس‌ها از افزایش توان چندگانه‌ی آمریکایی‌ها در هراس‌اند. به‌ویژه این‌که این روس‌ها هستند که با توجه به ضعف‌های اقتصادی خود توان رویارویی و سرمایه‌گذاری کلان در صنایع و تکنولوژی‌های جدید تسلیحاتی را ندارند. در این میان نگاه روس‌ها تنها معطوف به گسترش و افزایش سلاح‌های تهاجمی بوده است و این کشور نتوانسته است پایه‌ی آمریکا در به‌کارگیری و توسعه‌ی سلاح‌های دفاعی هم‌چون سپر موشکی موفق باشد. گویا معاهده‌ی جدید جای‌گزین استارت اکنون با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است. موانعی که در عمل گره‌ی معاهده‌ی جدید را ناگشوده نگه‌داشته است. بی‌گمان هرچند از اهمیت معاهده‌ی استارت با توجه به تغییر نسبی

کارخانه‌ها و صنایع این کشور، توجه پکن به قاره‌ی آفریقا جلب شده است. قاره‌ای که اگرچه دارای مردمانی فقیر است، اما منابع طبیعی گسترده و ارزانی نیز دارد. منابعی که می‌تواند در خدمت رشد اقتصادی چین باشد. سفر وزیر خارجه‌ی چین به چند کشور آفریقایی به‌ویژه کشورهای دارای منابع غنی نفت و گاز نیجریه، الجزایر و ... نشان از اهمیت ژئوپولی‌تیکی و استراتژیکی قاره‌ی سیاه در نزد سیاستمداران چینی دارد. به‌ویژه این‌که چین اینک داعیه‌ی رقابت با ایالات متحده را در جهان در سر می‌پروراند. اندیشه‌ای که بی‌گمان چینی‌ها را واداشته است تا با افزایش حضور خود در دورترین نقطه‌های آفریقا به عقد قراردادهای مختلف در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و سیاسی با پایتخت‌های این قاره دست زنند. علاوه بر این چینی‌ها بر خلاف غربی‌ها و اروپایی‌ها کاری به نظام سیاسی کشورهای این قاره ندارند و در اصل مباحثی همانند حقوق بشر و ... جای‌گاه آن‌چنانی در سیاست‌های چین ندارد، لذا گستره‌ی روابط چین با تمام کشورهای این منطقه اعم از اقتدارگرا، توتالیتر و دموکرات می‌تواند نیازهای چین را برآورده سازد.



نخستین نیروگاه هسته‌ای ترکیه و مسکو

آرزوهای مقامات ترکیه در دست‌یابی به نیروگاه و انرژی هسته‌ای اندک پرنرنگ و پرنرنگ‌تر می‌شود. هرچند ترک‌ها سال‌ها است که می‌کوشند تا با مذاکره با کشورهای مختلف غربی و روس‌ها ساخت نخستین نیروگاه هسته‌ای خود را آغاز کنند و حتی مناقصه‌هایی را نیز برگزار کرده‌اند، اما عدم وجود شرایط مناسب زمین‌شناسی (به دلیل زلزله‌ها) و مخالفت‌های نهادهای قضایی و مخالفت‌های خارجی همواره ترک‌ها را از داشتن نیروگاه هسته‌ای محروم کرده است. در چند سال گذشته و نیاز هفتاد درصدی ترکیه به منبع هیدروکربنی باعث شده است تا گام‌های آنکارا در احداث نیروگاه هسته‌ای در این کشور استوارتر گردد. افزون بر آن، سفر اردوغان به روسیه که با

اعراب و اسرائیل داشته باشد. هرچند عمق و رابطه‌ی استراتژیک تل‌آویو و آنکارا در چند دهه‌ی گذشته بر کسی پوشیده نیست، اما به نظر می‌رسد کابینه‌ی فعلی دولت اردوغان با سیاست خارجی نوین خود کوشیده است تا با نگاهی به شرق، نقش خاورمیانه‌ای خود را افزایش دهد. این نقش هرچند مستلزم کاهش شدید روابط با تل‌آویو نیست، اما دولت اردوغان روابط خود را با تهران، سوریه، حماس و دولت‌های عربی دیگر افزایش و بهبود بخشیده است. در این میان سخنان اردوغان چه در اجلاس سال گذشته داووس و چه بعد از آن همواره با حمله‌هایی بر ضد اسرائیل انجام گرفته است. در این میان پس از حمله‌ی اردوغان به اسرائیل و فراخوانی سفیر ترکیه به وزارت خارجه‌ی اسرائیل، معاون وزیر خارجه‌ی اسرائیل با وی رفتار توهین‌آمیزی روا داشت. این رفتار خشم ترک‌ها را برانگیخت، به طوری که روابط دو کشور پرتنش شد و حتا اسرائیل در قبال درخواست عذرخواهی آنکارا از ترکیه عذرخواهی کرد. این تنش نشان می‌دهد روابط دو متحد پیشین خاورمیانه بر قدرت و صلابت پیشین استوار نیست، چراکه امروزه بسیاری از اعراب، ترکیه را پشتیبان خود می‌دانند و این دولت تندرو نتایجی است که حتا از سوی احزاب اپوزیسیون این کشور نیز مورد انتقاد قرار گرفته است.



با سفر بوسورت نماینده‌ی ویژه‌ی ایالات متحده به پیونگ یانگ و تقدیم نامه‌ی اواما به رهبر کره‌ی شمالی، کیم جونگ ایل، به نظر می‌رسد که دور دیگری از تلاش‌ها برای بازگرداندن کره‌ی شمالی به مذاکرات شش جانبه آغاز شده است. مذاکراتی که از سال ۲۰۰۸ در پی امتناع کره‌ی شمالی به بهانه‌های مختلفی نیمه‌تمام ماند و کره درصدد آزمایش موشک‌های هسته‌ای و دوربرد خود برآمد. موشک‌هایی که در عمل کره‌ی شمالی را در ردیف کشورهای هسته‌ای قرار داد و فشارها را از سوی غرب و شورای امنیت سازمان ملل بر این کشور افزایش داد و تحریم‌هایی را بر کشور آسیب‌پذیر کره‌ی شمالی وارد کرد. پس از سفر بوسورت به کره‌ی شمالی و اظهار امیدواری وی و بعد از آن پیام سال نو کره‌ی شمالی برای رفع خصومت آمریکا در هفته‌های گذشته پیونگ یانگ اعلام کرد که حاضر به بازگشت به مذاکرات شش جانبه است. البته شروط وی رفع تحریم‌های غرب و امضای معاهده‌ی صلح با این کشور بود. بی‌گمان هرچند این شروط از سوی سنول و واشنگتن رد شده است اما به نظر می‌رسد با توجه به افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد کره به دلیل وابستگی به واردات غذایی، اندک اندک مقامات کره‌ی شمالی خواهان واگذاری امتیازهایی در قبال آنچه آن‌را خلع سلاح اتمی می‌نامند هستند. این رویکرد می‌تواند در قالب مشوق‌های اقتصادی از سوی غرب و واشنگتن به کره‌ی شمالی روانه شود.



روی کرد هسته‌ای امارات

امارات متحده‌ی عربی سال‌ها است که می‌کوشد تا با بهره‌گیری از تکنولوژی هسته‌ای آینده و تأمین انرژی خود را باثبات‌تر سازد. این سیاست چه در قالب شورای همکاری خلیج فارس و چه به صورت ملی مورد توجه بوده است. به طوری که در چند سال گذشته اماراتی‌ها موفق به عقد تفاهم نامه‌هایی با کشورهای غربی هم‌چون فرانسه و آمریکا شده‌اند. سفر رییس‌جمهور کره‌ی جنوبی به امارات و عقد قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری ساخت ۴ نیروگاه هسته‌ای، بسیاری را از تلاش‌های پرستیژی امارات حیرت‌زده کرد. امارات که در دهه‌ی اخیر کوشیده است تا با افزایش جلب سرمایه‌گذاری



آنکارا و تل‌آویو، تنش در روابط

دولت رجب طیب اردوغان نخست وزیر و رهبر حزب عدالت و توسعه‌ی ترکیه از چند سال گذشته کوشیده است تا نگاهی متوازن به روابط خود با

و منافع ملی خود می‌دانند. با تمام اما و اگرهای موجود در روابط بین دو کشور، آنچه که هنوز حرف نخست و تعیین‌کننده را در بهبود روابط ترکیه و ارمنستان می‌زند، بازگشت به آن واقعه‌ی تاریخی وحشت‌انگیز و فراموش نشدنی نسل‌کشی و قتل‌عام بی‌سابقه‌ی ارمنی‌ها توسط نیروهای ترکیه در دهه‌ی دوم قرن بیستم میلادی است.



اوکیناوا، میان ژاپن و آمریکا

ژاپن دولتی است که اکنون هرچند دومین اقتصاد برتر جهان به حساب می‌آید اما از نظر نظامی و امنیتی جدا از محدودیت‌های قانون اساسی خود برای داشتن ارتش قدرتمند، همواره زیر چتر امنیتی قدرتمند ایالات متحده بوده است. این چتر امنیتی هرچند ژاپنی‌ها را تا حدی از هزینه‌های گزاف امنیتی راحت کرده است اما به غرور ملی آن‌ها لطمه زده است. لطمه‌ای که اکنون بسیاری در ژاپن بر آن هستند تا با خروج از چتر امنیتی آمریکا راهی ویژه‌ی خود داشته باشند. در این زمینه، اوکیناوا جزیره‌ای که یکی از پایگاه‌های اصلی آمریکا در ژاپن به حساب می‌آید مدنظر مقامات دولت جدید ژاپن است. دولتی که می‌کوشد تا با انجام مذاکراتی با ایالات متحده این کشور را ترغیب به خروج نیروهای نظامی خود از اوکیناوا به خارج از کشور کند، اما مسلماً این خروج با قرارداد امنیتی بین دو کشور در سال ۲۰۰۶ منافات دارد. در همین بین دولت توکیو خواستار بازبینی آمریکا در این قرارداد است. این امر هرچند ممکن است به روابط دو متحد استراتژیک لطماتی وارد کند، اما مقامات دولت حاکم توکیو بر این نظر هستند تا با امضای قرارداد جدیدی بین دو دولت با حفظ اتحاد پیشین دو کشور، به خواسته‌ی بسیاری از شهروندان و محافل سیاسی ژاپن نیز پاسخی شایسته داده شود. پاسخی به نگرانی آن‌ها در مورد مسأله‌ی اوکیناوا.

۳۲
شماره
۸۲
و
۸۳

اعضا رسید برای اجرا آماده شد. در این راستا نخستین رییس این اتحادیه در شرایطی توسط اعضا برگزیده شد که بسیاری بر این نظر بودند که تونی بلر انگلیسی این پست را از آن خود خواهد کرد. امری که با مخالفت بزرگان اتحادیه (فرانسه و آلمان) روبه‌رو شد و زمینه‌ساز قدرت‌گیری هرمان ون رامپای نخست وزیر بلژیک شد. بی‌گمان اکنون اتحادیه‌ی اروپا در مرحله‌ای از تاریخ خود قرار دارد که دولت‌های ملی عضو می‌کوشند هم‌چنان قدرت خود را حفظ کنند، چراکه رامپای به عنوان رییس آینده‌ی اتحادیه چندان قدرت‌مند نیست. افزون بر آن، دادن پست مسئول سیاست خارجی به یک انگلیسی تقریباً ناشناخته، کاترین اشتاین این باور را تقویت می‌کند که کشورهای عضو اتحادیه هنوز به قدرت‌گیری اتحادیه‌ی اروپا در مقابل دولت‌های ملی عضو مایل نیستند.



لبنان، تشکیل دولت و ثبات سیاسی

لبنان را آوردگاه نیروهای سیاسی داخلی و قدرت‌های جهانی می‌دانند، چراکه فراوانی نیروهای سیاسی، احزاب و گروه‌های مذهبی و قومی در این کشور باعث شده است تا فرآیند حکومت در این کشور همواره مورد نزاع باشد. به‌ویژه این‌که چنان‌چه توافقی در میان سه نیروی اصلی مسیحی، سنی و شیعه در این کشور پدید آید قدرت‌های منطقه‌ای و ابرقدرت‌ها نیز باید آن را به رسمیت بشناسند وگرنه بحران هم‌چنان ادامه دارد. روند تشکیل دولت در لبنان پس از انتخابات خرداد ماه تا ماه گذشته در این چارچوب تحلیل می‌شود. در این راستا سرانجام طرف‌های سیاسی داخلی و خارجی در قالب فرمول تعداد وزیران به توافقی رسیدند که بر مبنای (۵-۱۰-۱۵) شکل گرفت و دولت سعد حریری جوان تشکیل شد. بی‌گمان این امر آینده‌ی سیاسی لبنان را که با نگرانی‌های زیادی روبه‌رو کرده بود تثبیت خواهد کرد. هرچند فضای پلورالیستی لبنان نیازمند تکثرگرایی سیاسی است، در صورت فزون‌خواهی هریک از نیروهای سیاسی در این کشور، بار دیگر لبنان وارد مرحله‌ی بحران و دور باطل کنش و واکنش بحران‌ها می‌شود و زیان‌های اقتصادی بیش‌تری بر آن وارد خواهد آمد.



یمن، کلاف سردرگم امنیت

کم‌تر کسی در ساختار فرماندهی و دولت صنعا به تداوم بحران و جنگ در راستای عملیات «زمین سوخته» فکر می‌کند. ششمین دور درگیری دولت صنعا با شورشیان الحوثی به رهبری عبدالملک نه تنها دامنه‌ی بحران را در این کشور فقیر جنوب شبه جزیره کاهش نداده است، بل که اکنون بحران این کشور شکلی منطقه‌ای به خود گرفته است. شکلی که با دخالت عربستان به مرحله‌ای نوین رسید و اینک احتمال درگیر شدن نیروهایی از کشورهایمانند اردن و سایر ملل عربی بر ضد شیعیان الحوثی وجود دارد. دخالت عربستان از احتمال سرایت بحران به مناطق هم‌مرز و شیعه‌نشین خود حکایت دارد، اما روی دیگر سکه حفظ هژمونی قدرت عربستان در شبه جزیره است. ریاض که خود را قدرتی منطقه‌ای می‌داند تحمل بحران در جنوب مرزهای خود را ندارد و بر این استدلال دست به سرکوب گروه الحوثی با کمک نیروهای نظامی خود زده است. این امر

خارجی درعمل کانون تجاری منطقه به حساب آید، اینک با عقد این قرارداد با کره برای ساخت این نیروگاه‌ها می‌خواهد آینده‌ی تأمین انرژی خود را جدا از وابستگی به نفت و گاز با آسوده‌گی بیش‌تری پی‌گیری کند. این سیاست امارات در پی‌گیری ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای بی‌گمان به نوعی رقابت با ایران محسوب می‌شود. رقابتی که امارات را واداشته است تا با صرف میلیاردها دلار سرمایه‌ی خود، با وجود منابع گازی و نفتی فراوان، در رقابت با همسایه‌ی شمالی خود گام بردارد. به علاوه تب نخستین بودن در میان اعراب و جلوتر بودن از کشورهایی همانند مصر، عربستان، کویت و ... موجب خوش‌حالی امارات از پرستیژ امارات هسته‌ای خواهد شد.



فلسطین، تلاش در جهت اعلام استقلال

محمود عباس رهبر تشکیلات خودگردان که فاصله‌ی زمانی چندانی تا برگزاری انتخابات در فلسطین ندارد در سخنرانی‌اش احتمال کناره‌گیری خود را از رقابت‌های آینده‌ی انتخابات اعلام کرد. در همین زمان مذاکرات فلسطین - اسرائیل که با کورسوهایی ادامه یافته است با موضع‌های افراط‌گرایانه‌ی کابینه‌ی تندرو نتانیاهو و طرف‌های مقابل همراه بوده است. هرچند تل‌آویو اعلام کرده است حاضر است با شروطی شهرک‌سازی را متوقف کند اما فلسطینیان که اینک تا امضای سند آشتی ملی بین حماس و تشکیلات خودگردان فاصله‌ی زیادی ندارند قصد دارند با اعلام تشکیل دولت متحد فلسطین و درخواست به رسمیت شناختن آن از سوی کشورهای جهان، اسرائیل را تحت فشار قرار دهند. در این راستا قصد تشکیلات خودگردان برای اعلام دولت مستقل فلسطین با واکنش‌هایی از سوی کشورهای مختلف روبه‌رو شده است. این امر می‌تواند دیپلماسی اروپا و آمریکا را در جهت فشار به تل‌آویو فعال‌تر سازد و باعث واگذاری امتیازهایی از سوی دولت نتانیاهو به فلسطین شود.



اتحادیه‌ی اروپا، گام‌هایی فراروی اتحاد

اتحادیه‌ی اروپا و ۲۷ کشور عضو این اتحادیه گام بزرگی را در مسیر آینده‌ی این اتحادیه برداشتند. معاهده‌ی لیسبون که به منزله‌ی قانون اساسی این اتحادیه است، پس از آن‌که به تصویب تمام



باعث پیچیده‌تر شدن بحران گردیده است. چراکه نبرد لشکرهای نظامی کلاسیک صناعاً و ریاضاً با مبارزان چریکی الحوثی تاکنون به سرکوب نهایی آنان منتهی نشده است. از یک سو بیم تداوم بحران هم‌چنان نگران‌کننده است و از سوی دیگر با کم‌تر شدن امکان گفت‌وگو و دست‌آورد صلح یا آتش‌بس بین گروه الحوثی و دولت علی عبدالله صالح خطرات فراوانی یمن را تهدید می‌کند. چه این‌که جنوب جدایی‌طلب (سابقاً یمن جنوبی) اکنون با شورش‌ها و تظاهراتی خواستار جدایی از یمن هستند. این امر می‌تواند آینده‌ی سیاسی یمن متحد را با خطرات بسیاری روبه‌رو سازد. خطراتی که هم‌اکنون با افزایش نیروهای ال‌قاعده و بنیادگرایان اسلامی در مناطق مختلف یمن احتمال درگیری‌ها را افزایش می‌دهد.



ترکیه، به سوی دموکراسی!

ترکیه، آتانورک، کمالیسم، نظامی‌گری و ارتش قدرت‌مند واژه‌هایی مترادف در ساختار سیاسی ترکیه به شمار می‌رفتند، اما از چند سال گذشته و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و فشارهای خارجی اتحادیه‌ی اروپا و نهادهای حقوق بشری، نیازمندی‌های جهان مدرن و اشتیاق مقامات آنکارا به عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، فضای سیاسی ترکیه را روزبه‌روز به سمت دموکراسی هدایت کرده است. در این راستا سیاست صفر کردن مشکلات با همسایه‌گان در سیاست خارجی و حل مشکل دیرینه‌ی کردها در داخل از مباحث مهم چند ماه گذشته‌ی این کشور بوده است. پروتکل تاریخی ارمستنان - ترکیه در راستای دیپلماسی فوتبال تا حد زیادی با موفقیت روبه‌رو شده است، هرچند پان‌ترکیست‌ها و ملی‌گرایان و نظامیان کمالیست، هم‌چنان با آن مخالفند. مخالفتی که آنان با طرح گردش به سوی کردها (گشایش کردی) از سوی اردوغان نیز ابراز می‌دارند و حتا شماری از این احزاب محافل و شخصیت‌ها، افزایش اختیارات

کردها و طرح (گشایش کردی) را مقدمه‌ی تجزیه‌ی ترکیه می‌دانند. بی‌گمان اکنون ترکیه در مرحله‌ی حساسی قرار گرفته است. مرحله‌ای که با افزایش شاخصه‌های دموکراسی در داخل، توان دیپلماسی این کشور در خاورمیانه نیز افزایش یافته است. چراکه اکنون سیاست خارجی چند بعدی مقامات حزب عدالت و توسعه در بسیاری از مباحث و بحران‌های خاورمیانه حضوری جدی داشته است. در این میان آن‌چه جالب توجه است کاهش قدرت نظامیان همیشه مدعی است، چه این‌که افشای طرح کودتای ارگنه نون و ترور مقامات سیاسی آنان و محافل کمالیست تندرو پان‌ترک را به موضع ضعف کشانده است. موضعی که اکنون شاخصه‌های دموکراسی در ترکیه را بالا برده است. افزون بر آن چنان‌چه طرح گشایش کردی و مذاکرات با پ.ک.ک به سرانجام معینی برسد و مخالفان کرد راه سیاسی را برای اهداف خود پی‌گیری کنند، فشارهای بروکسل و واشنگتن بر آنکارا کاسته خواهد شد و زمینه برای ورود به اتحادیه‌ی اروپا فراهم‌تر می‌گردد. امری که هنوز مقامات ترک در رویای شیرین آن به سر می‌برند. اگرچه سیاست هویج و چماق و با یک دست پس زدن و با دویا پیش کشیدن آنان را هر تحیل‌گر مسایل سیاسی تازه کاری نیز فهمیده است...



اوکراین: نزاع شرق و غرب در آستانه‌ی انتخابات
کیف، شهری است که پس از انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ این کشور و قدرت گرفتن غرب‌گرایان همواره شاهد چالش‌های ناتمام با مسکو و سردمداران کرم‌لین بوده است. چراکه سیاست‌های غرب‌گرایانه‌ی یوشچنکو رییس‌جمهور غرب‌گرای اوکراین به مذاق روس‌ها خوش نیامده و روس‌ها در مقابل، با به‌کارگیری اهرم‌های مختلفی از جمله اسلحه‌ی گاز تلاش در وارد نمودن فشار بر مقامات اوکراین بوده‌اند. بی‌گمان ناکارآمدی برخی سیاست‌های یوشچنکو و تعارض مداوم کیف - مسکو انتخابات ژانویه را به نبرد غرب‌گرایان و روس‌گراها درآورده است. در یک سوی این نبرد ویکتور یوشچنکو رییس‌جمهور یکنونی است که خواستار حفظ پست خویش پس از انتخابات می‌باشد، در مقابل یانوکویچ نامزد روس‌گرا و رهبر حزب مناطق است که در

سال‌های گذشته با به پرسش کشیدن سیاست‌های غرب‌گرایانه‌ی مقامات کیف در جهت عضویت در ناتو و ... می‌کوشد تا در انتخابات ژانویه بر غرب‌گرایان پیروز شود. در این میان یولیاتیموشنکو نخست‌وزیر کنونی هم نامزد ریاست جمهوری است. تیموشنکو که در انقلاب رنگی متحد یوشچنکو بود، اکنون روابط سردی با وی دارد، چنان‌چه یوشچنکو گفته است یانوکویچ و تیموشنکو صلاحیت ریاست جمهوری را ندارند. آن‌چه مسلم است پیروز انتخابات ژانویه نوع نگاه در سیاست خارجی اوکراین را مشخص خواهد کرد، چراکه اکنون اوکراین از معضلات روابط مسکو - واشنگتن است. در این میان یوشچنکو عضویت در ناتو، خروج ناوگان روسیه از اوکراین و اتحاد با غرب را در سرلوحه‌ی اهداف خود قرار داده و یانوکویچ روس‌گرا عادی‌سازی و گسترش روابط با روسیه، اعلام زبان روسی به عنوان زبان دوم، و اتحاد با روسیه را مدنظر دارد. اضافه بر این، مقامات روسیه در چند ماه گذشته کوشیده‌اند تا با تبلیغ علیه یوشچنکو شانس وی را در به دست آوردن پست ریاست جمهوری کاهش دهند. چراکه پیروزی مجدد غرب‌گرایان در حیاط خلوت روس‌ها و عضویت اوکراین در ناتو گستره‌ی قدرت ژئوپولی‌تیکی روسیه را کاهش خواهد داد و به کاهش نفوذ روسیه در شرق اروپا و قفقاز می‌انجامد. در آخرین نظرسنجی‌های یانوکویچ طرفدار روسیه بیش‌تر از ۴۷٪، یولیاتیموشنکوی میانه‌رو (هم غرب، هم روسیه) حدود ۳۳٪ و ویکتور یوشچنکو تنها ۷٪ آرای مردم اوکراین را به خود اختصاص داده‌اند. اگر روی‌داد تازه و غیرقابل پیش‌بینی‌ای روی ندهد، ویکتور یوشچنکو هیچ بختی برای پیروزی بر دو رقیب دیگر ندارد و از هم‌اینک باید او را مهره‌ای حذف شده از رهبری سیاسی اوکراین دانست. درست همان اتفاقی که برای لیخ‌والسیا رهبر کنگره‌ی کارگران گدانسک در لهستان پیش آمد که پس از دوران کوتاه ریاست جمهوری‌اش به سبب گرایش‌های افراطی به سیاست‌های غرب از کانون توجه و سیاست لهستان حذف گردید.



نیجریه، بحران سیاسی

عمریارادوا رییس‌جمهوری کشور نیجریه مهم‌ترین کشور نفت‌خیز غرب آفریقا و پرجمعیت‌ترین کشور این قاره، اینک نزدیک به هفت هفته از بستری شدن‌اش در عربستان می‌گذرد و این امر موجب

نخست صنعت نفت جهان را صاحب خواهد شد. جایگاهی که بی‌شک بر اهمیت استراتژیکی و ژئوپولی‌تیکی دولت کاراکاس به رهبری هوگو چاوز خواهد افزود. در این حال قابل توجه است که چاوز چپ‌گرا همواره تضادی بنیادین با سیاست‌های ایالات متحده در منطقه داشته است و در صورت افزایش واقعی حجم ذخایر استراتژیک نفت خام این کشور در کمربند نفتی اورینکو و استان باسین در این کشور، بی‌گمان قدرت ملی، پرستیژ سیاسی و اهمیت استراتژیک جمهوری بولیواری ونزوئلا در منطقه و در جهان افزایش خواهد یافت. امری که به نگاه واشنگتن غیرقابل تحمل خواهد بود.



افغانستان و ترکیه

سیاست خارجی ترک‌ها در افغانستان به گونه‌ای به اقلیت ازبک زبان واقع در شمال این کشور گره خورده است و از این راه آنکارا که به نوعی خود را برادر بزرگتر ایده‌ی پان‌ترکیسم در جهان می‌پندارد همواره تلاش کرده است تا از منافع اقلیت ازبک در افغانستان حمایت کند. در این راستا ترکیه در طول سال‌های گذشته و به‌ویژه پس از سقوط طالبان کوشیده است تا از یک طرف روابط سیاسی دوجانبه‌ی خود را با کابل گسترش دهد و از سوی دیگر با قرارگرفتن در میان کشورهای ايساف و اعزام نیروهای نظامی خود به افغانستان نقشی مهم در تأمین امنیت در این کشور داشته باشد و حتی در دوره‌ای به فرماندهی نیروهای بین‌المللی مستقر در کابل برسد. در این میان ژنرال دوستم به عنوان مشهورترین و قدرتمندترین چهره‌ی سیاسی اقلیت ازبک روابط دیرپا و استواری با ترکیه داشته است؛ چنان‌چه دوستم هرگاه تحت فشارهای دولت کابل قرار می‌گرفت راه آنکارا را در پیش می‌گرفت. بی‌گمان سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه در افغانستان توانسته است نقش آنکارا را در معادلات سیاسی افغانستان افزایش دهد به گونه‌ای که اکنون ترکیه روابط بسیار مطلوبی با

ارتش پاکستان، به‌نظر می‌رسد تمایل طالبان برای ورود به فاز سیاسی بیش‌تر شده است. در همین میان مقاماتی همانند کرزای از ورود طالبان به فاز سیاسی و قدرت سیاسی حمایت کرده‌اند و اسپنتا وزیر خارجه‌ی سابق و مشاور فعلی نیز بازگشت طالبان به سیاست افغانستان را تأمین ثبات دانسته است. در این حال به نظر می‌رسد بدنه‌ی طالبان با توجه به برنامه‌ی ایالات متحده برای جذب آن‌ها و کمک‌های مالی و پولی در حال تردید در اهداف خود هستند. به‌علاوه این احتمال وجود دارد که با توجه به مذاکرات پیدا و پنهان با گلبدین حکمت‌یار رهبر حزب اسلامی حکمت‌یار نیز همانند برخی از هواداران و اعضای حزب متبوعش اندک اندک به ساختارهای قدرت افغانستان نزدیک شوند. این امر هرچند ممکن است با واکنش‌هایی از سوی برخی شخصیت‌های افغانی مواجه شود، اما ورود حکمت‌یار و طالبان میانه‌رو جدا از ال‌قاعده و مقامات سیاسی، فضای سیاسی افغانستان را باثبات‌تر خواهد کرد و راهی به سوی آشتی ملی در افغانستان خواهد گشود. راهی که طالبان را مجبور خواهد کرد از مقابله نظامی و رویارویی به این شیوه دست بردارند.



ونزوئلا و اوپک

با وجود آن‌که از چندین سال پیش برخی از وجود میلیاردها بشکه نفت در کشور نفت‌خیز ونزوئلا جدا از آمارهای رسمی آن خبر می‌دادند به نظر می‌رسد این احتمال‌ها و حدس‌ها اندک اندک رنگ واقعیت به خود می‌گیرد. چنان‌چه مؤسسه‌ی زمین‌شناسی ایالات متحده خبر از وجود ۵۱۳ میلیارد بشکه نفت در این کشور آمریکای لاتینی خبر داده است. خبری که در صورت واقعیت یافتن آن، درعمل ونزوئلا بزرگ‌ترین کشور نفتی جهان خواهد بود و رقمی معادل ۲ برابر ذخایر عربستان و چند برابر ایران ذخیره‌ی نفتی خواهد داشت. ونزوئلا که هم‌اینک کشوری عضو اوپک و صادرکننده‌ی مهم آمریکای لاتین است، گذشته از پشت سر گذاردن ایران، عراق و عربستان، جای‌گاه

شده است تا احزاب اپوزیسیون این کشور خواستار برکناری و استعفای وی شوند؛ زیرا رییس‌جمهور بیمار و فاقد توانایی برای اداره‌ی کشور نمی‌تواند مناسب باشد. در این میان حتا بارها شایعه‌ی مرگ رییس‌جمهور در پایتخت پراکنده شده است و این امر در کنار بحران‌های سیاسی داخلی این کشور و وجود شورشیان در کشور ۲۰۰ قومی و چند مذهبی نیجریه بر ابعاد مشکلات افزوده است. در این میان آغاز درگیری‌ها میان مسلمانان و مسیحیان در شهر جوس و مناطق مرکزی بیم از گسترش بحران را در این کشور به وجود آورده است. با این حال دادگاه قانون اساسی کشور، گودلوک جاناتان معاون رییس‌جمهوری کشور را به طور موقت سرپرست اداره‌ی امور در نیجریه کرده است و اکنون نیز دادگاه ۱۴ روز برای تعیین سرنوشت رییس‌جمهوری فرصت داده است. خلا سیاسی نیجریه در نبود رییس‌جمهور و امکان افزایش تنش‌های خفته در این کشور با توجه به وجود جنبش‌هایی همانند جنبش آزادی‌بخش دلتای نیجر همواره مقامات این کشور را هراسانده است. به علاوه همه، اینک خطر تزیاید بحران‌ها و تجمیع آن‌ها وجود دارد. یعنی نزاع‌های مذهبی که همین اواخر موجب کشته شدن بیش از هزار تن شده در کنار خطر اوج‌گیری مبارزات جنبش آزادی‌بخش دلتای نیجر و حمله به لوحه‌های نفتی در این کشور در کنار بحران ریاست‌جمهوری می‌تواند تنش‌ها را در مهم‌ترین کشور غرب آفریقا افزایش دهد.



طالبان، سازش سیاسی

هرچند از گذشته در نگاه به پدیده‌ی طالبان از سوی غرب و دولت کابل همواره پیشنهادهایی بر مبنای مذاکره و تعامل با آن‌ها مد نظر بوده است، اما به طور جدی هیچ‌گاه تعامل با طالبان و ورود آن‌ها به فاز سیاسی به جای تقابل نظامی مورد توجه نبوده است. اینک با توجه به استراتژی اوباما در افزایش نیرو در افغانستان و خطر افزایش حملات در بهار آینده در کنار حملات

ساختارهای اداری و دولتی عراق وجود دارند و امکان انجام حرکتی همانند کودتا نیز توسط اینان وجود دارد.

ایران، افغانستان، تاجیکستان، هم‌زبانان مشترک، اما از هم دور

تلویزیون مشترک کشورهای فارسی زبان

اگر دیر بجنبیم، ترک‌ها جای ما را خواهند گرفت



هرچند طرح تلویزیون مشترک کشورهای فارسی زبان (تاجیکستان، افغانستان و ایران) به سال‌های دور برمی‌گردد اما در یک سال گذشته تلاش‌هایی در این راستا از سوی سه کشور فارسی زبان انجام شده است. با این حال دولت تاجیکستان به رهبری امام‌علی رحمان بیش‌ترین تلاش را در این راستا انجام داده است. دفتر مرکزی این تلویزیون قرار است در شهر دوشنبه قرار گیرد و کشورهای افغانستان و ایران نیز هر یک در بخش‌های مختلف آن عملی بر عهده گیرند.

از چند سال گذشته افزایش هم‌کاری در سطح کشورهای فارسی زبان و دارای ریشه‌ها و تمدن مشترک یعنی ایران تمدنی و فرهنگی افزایش یافته است و کشورهای این حوزه هرچند دیر اما سرانجام

که به واسطه‌ی عدم پذیرش اسراییل از طرف موضع گذشته‌ی خود یعنی شهرک‌سازی، این مذاکرات نیز راه به جایی نبرد. امری که بسیاری از کارشناسان خاورمیانه آن را پیش‌بینی می‌کردند. اینک فشارهای واشنگتن بر اسراییل افزایش خواهد یافت اما اسراییل هم‌چنان که تاکنون نشان داده است خواهان بیش‌ترین امتیازها در قبال روند صلح است.



عراق و قانون بعثی‌زدایی

اعلام رأی هیئت عدالت و دادخواهی در عراق مبنی بر محرومیت صالح‌الملک و ۱۴ جریان سیاسی از شرکت در انتخابات باعث افزایش تنش میان برخی از جناح‌های اعراب سنی با دولت شیعی عراق و تا حدودی با کردها شده است. هواداران حزب بعث که طبق قانون اساسی عراق از روند سیاسی این کشور محروم شده‌اند اینک با رأی هیئت عدالت و دادخواهی بیش از پیش در معرض فشار قرار گرفته‌اند. به طوری که فهرست لایحک العراقیه تهدید به تحریم انتخابات در این کشور کرده است. انتخاباتی که قرار است در مارس (اسفند ماه) این کشور برگزار شود. در این حال دامنه‌ی تنش بر سر قانون فوق نه تنها بعدی منطقه‌ای یافته و باعث فشار دولت‌های عرب منطقه‌ای به دولت شیعی مالکی شده، بل که باعث حضور بایدن آمریکایی در عراق شد. در این حال هرچند مقامات کرد و شیعی عراق تا حد زیادی با قانون بعثی‌زدایی اتفاق نظر دارند اما بسیاری از اعراب سنی هم‌چنان بر لغو آن اصرار دارند. با این وجود مذاکره و دیدارهای سران به سه جریان اصلی عراق نیز هرچند تا حدی از دامنه‌ی تنش‌ها کاسته است اما نوع جبهه‌گیری جریان‌های سیاسی عراق به‌ویژه شیعیان و کردها می‌تواند در این بین تعیین‌کننده باشد. اضافه بر این تعاملات قدرت در بین سه گروه اصلی عراق با توجه به نفوذ و ادامه‌ی حیات جریان پر قدرت بعثی می‌تواند فضای سیاسی عراق را ناامن‌تر کند. چه این‌که به گمان بسیاری، لایحه‌های بسیاری از بعث و هواداران و تشکیلات منسجم آن هنوز در

کابل دارد. علاوه بر این نقش ژنرال دوستم به عنوان فرماندهی ارتش افغانستان توانسته است آنکارا را به فکر آموزش نیروهای نظامی و پلیس این کشور توسط کشورش بیاندازد. این امر بی‌گمان جدا از آثار اقتصادی آن پی‌آمدهای متعددی در روابط ترکیه و افغانستان خواهد داشت و به گسترش نفوذ ترکیه در افغانستان خواهد انجامید. امری که در کنار دیپلماسی پویای وزارت خارجه‌ی ترکیه بر اهمیت نقش ترکیه در آسیای مرکزی خواهد افزود.



۳۶

جرج میچل و سفر به خاورمیانه

جرج میچل خاورمیانه‌ای تبار و فرستاده‌ی ویژه‌ی ایالات متحده به خاورمیانه در دور جدیدی از سفرهای خود به خاورمیانه از کشورها و مناطقی هم‌چون لبنان، سوریه، اسراییل و کرانه‌ی باختری دیدار کرد. توجه میچل به فعال‌سازی روند صلح کشورهای عرب با اسراییل در سه محور بود. در محور نخست دیدار میچل از لبنان و مقامات سیاسی این کشور از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس پارلمان و نگاه به مسأله‌ی حضور فلسطینی‌ها در لبنان، هرچند براساس کاهش تنش و اختلافات کابینه‌ی تندرو نتانیاهو با بیروت بود، اما به واسطه‌ی سیاست‌های اسراییل ثمره‌ی چندانی دربرنداشت. محور دوم میچل سفر وی به سوریه و دیدار با اسد بود. دیداری که بی‌گمان در روابط دمشق با واشنگتن تأثیرگذار بوده است. به‌ویژه این‌که سوریه و آمریکا در دوره‌ی ریاست جمهوری خواهان روابط پرتنشی داشتند. اما اصرار سوریه بر بازپس‌گیری بلندی‌های جولان در مقابل سیاست‌های اسراییل، در عمل راه صلح را در میان سوریه و اسراییل تاکنون با ناکامی مواجه کرده است. در این میان اختلاف سوریه با اسراییل بر سر میانجی‌گری بی‌طرف نیز هم‌چنان ادامه دارد. چه این‌که روابط کنونی و خوب سوریه با ترکیه و درخواست میانجی‌گری ترکیه از سوی دمشق با مخالفت‌های اسراییلی از جمله نتانیاهو بود

شماره
۸۲
و
۸۳

اساسی و نقش سارکوزی در آن هم‌چنان خود را در سایه فشارهای نهاد قضایی فرانسه می‌بیند. آن‌گونه که به نظر می‌رسد روند بررسی اتهام‌های ویلپن تا سال ۲۰۱۱ طول خواهد کشید این زمان زیاد بی‌شک باعث عدم تجدید قوای ویلپن برای برنامه‌ریزی جهت انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ و رقابت با سارکوزی می‌شود. در این حال به نظر می‌رسد نگاه سارکوزی به ویلپن را در مقابله با سارکوزی افزایش خواهد داد اما در مقابل چنان‌چه اتهام‌های ضد ویلپنی دادگاه قانون اساسی به اثبات برسد علاوه بر محکومیت و زندانی شدن، پلیس عملا وی را از ادامه‌ی رقابت‌ها با سارکوزی در انتخابات ریاست جمهوری آینده نا امید خواهد کرد.



۳۷



شماره

۸۲

و

۸۳

سازمان کنفرانس اسلامی و نیروهای حافظ صلح هرچند که طرح و پیشنهاد نیروهای حافظ صلح اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی با سرانجام مشخصی روبه‌رو نشده است و آینده‌ی آن مشخص نیست اما به نظر می‌رسد این طرح می‌تواند گام‌های خوبی برای افزایش هم‌گرایی میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی باشد. کشورهایی که با وجود عضویت ۵۷ کشور و جمعیتی با بیش از یک میلیارد نفر دارای بیش‌ترین بحران‌ها و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای میان خود و یا همسایه‌گان خود هستند. طرح نیروی حافظ صلح اسلامی از آن‌جا قابل اهمیت فراوان است که این نیروها می‌توانند جای‌گزین خوبی برای نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در بسیاری از مناطق بحران‌خیز کشورهای اسلامی باشند. بحران‌هایی که هم‌اکنون نیز علاوه بر وجود نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، نیروهای حافظ صلح اتحادیه‌ی آفریقا نیز در آن‌جا به سر می‌برند (مثل سومالی). در این حال به نظر می‌رسد تشکیل چنین نیرویی، کار ویژه و مهمی برای سازمان کنفرانس اسلامی تلقی

توافق‌نامه‌ی داکار بین مقامات دو کشور بسته شد اما تجربه نشان داده بود که دولت‌های طرف تنش همواره با نادیده گرفتن آن، هم‌چنان با حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های مخالف دولت طرف دیگر زمینه‌ی تداوم اختلافات را فراهم می‌کنند. در این حال بحران دارفور که از سال ۲۰۰۳ آغاز شده باعث کشته و زخمی شدن هزاران شهروند سودانی در منطقه‌ی غرب سودان گردیده، همواره با دخالت‌هایی از طرف دولت چاد همراه بوده است. در این حال در ژانویه‌ی گذشته توافق‌نامه‌ی میان مقامات دو کشور برای عادی سازی روابط و یادداشت تفاهمی برای تضمین امنیت مرزها امضا شد که بر اساس آن نیروهای مشترک ۳ هزار نفره‌ای در مرزهای بین دو کشور مستقر خواهند شد. بی‌گمان کاهش تنش در روابط دولت چاد به سودان بر کاهش تنش در منطقه تأثیر خواهد گذاشت و باعث کاهش تنش‌ها در بحران‌های داخلی سودان به‌ویژه منطقه‌ی دارفور خواهد شد. در این راستا باید اشاره کرد سفر رییس‌جمهور چاد به سودان پس از کاهش تنش‌های دو دولت می‌تواند اقدامی سیاسی و داخلی در آستانه‌ی انتخابات سودان تلقی شود.



ویلپن و سارکوزی در مقابل ترازوی عدالت

هرچند دومینیک ویلپن نخست‌وزیر سابق فرانسه بر این امید بود که با اعلام براءت دادگاه درباری اتهام‌های مورد اشاره به وی زمینه‌ی فراغت از فشارهای دستگاه قضایی فرانسه را به دست آورد، اما تصمیم دادستان دادگاه قانون اساسی برای تجدیدنظر در حکم اعلام براءت ویلپن باعث شد تا وی و بسیاری دیگر از کارشناسان این تصمیم دادستان دادگاه قانون اساسی را به نوعی دخالت سارکوزی در تداوم جریان اتهام‌ها علیه ویلپن بدانند. اتهاماتی که سارکوزی از مدت‌ها قبل کوشیده است با طرح آن‌ها علیه ویلپن، رقیب راست‌گرای خود را به مسلخ بکشد. در این حال هرچند دادگاه قانون اساسی تصمیم خود را قانونی می‌داند اما ویلپن با اشاره به تصمیم دادگاه قانون

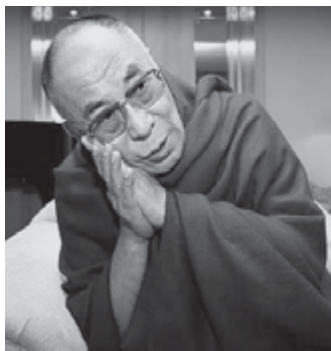
گام‌هایی را در راه افزایش روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با هم‌دیگر برداشته‌اند. در این حال تأسیس تلویزیون مشترک کشورهای فارسی زبان می‌تواند روابط همه‌جانبه میان کشورهای سه‌گانه را افزایش دهد و باعث تشکیل بلوک منطقه‌ای متحدی گردد؛ هرچند در این راه چالش‌ها و موانعی وجود دارد که کشورهای سه‌گانه ممکن است با تردید و احتیاط در این راه گام بگذارند، اما تقویت روابط فرهنگی می‌تواند مهم‌ترین ثمره و نتیجه‌ی این رسانه‌ی مشترک باشد. در این میان تاجیکستان می‌کوشد از زیر سلطه‌ی رسانه‌ای روسیه خارج شود. به علاوه انحصار رسانه‌ای و کاهش آزادی‌های اقلیت تاجیک‌های ازبکستان را بشکند. هرچند پیش‌بینی می‌شود این رسانه در افغانستان با توجه بسیاری روبه‌رو گردد، اما بی‌شک طیف‌هایی از پان‌پشتون‌ها با آن مخالفت خواهند کرد. با توجه به گام‌هایی که برای بنیان این تلویزیون مشترک برداشته شده است اما هنوز نیازمند حمایت بیش‌تر کشورهای این حوزه (به ویژه ایران) از تأسیس این تلویزیون است. در این حال باید اشاره کرد چنان‌چه این تلویزیون هم‌چون بسیاری از هم‌کاری‌های سه‌گانه‌ی کشورهای فارسی زبان به فراموشی سپرده شود این رقیبان منطقه‌ای خواهند بود که از آن منتفع خواهند گردید.



چاد و سودان امیدوار به بهبود روابط

سفر ادريس دبی رییس‌جمهور کشور آفریقای و منطقه‌ی صحرای چاد به سودان پس از سال‌ها تنش در روابط میان دو کشور همسایه باعث آغاز امیدواری‌های تازه‌ای در منطقه شده است. از سال ۲۰۰۴ تا کنون مرزهای دو کشور همواره نا آرام و هر دو پایتخت یعنی انجمن و خارطوم با متهم کردن دیگری برای کمک به شورشیان مخالف و اپوزیسیون خود همواره روابط پرتنشی را از سر گذرانده بودند. در این حال در فراز و نشیب روابط دو کشور هرچند توافق‌نامه‌هایی همانند

مالی و اقتصادی برای ترمیم و بازسازی ویرانی‌های ناشی از زمین‌لرزه گردیده است. از سوی دیگر عدم به‌کارگیری سیاست و دیپلماسی درست از سوی دولت هایتی و بی‌توجهی نهادهای بین‌المللی و کشورهای مختلف به مشکلات ساختاری آن نه تنها نمی‌تواند آلام و دردهای شهروندان کشور بحران زده‌ی هایتی را کاهش دهد، بلکه با افزایش فقر و رکود اقتصادی در این کشور کوچک پی‌آمدهای ناگوارتری را نیز برای آینده‌ی این سرزمین رقم بزند.



دالایی‌لما و سیاست توسعه طلبی دولت چین
دالایی‌لما رهبر مذهبی بوداییان تبت، یکی از چهره‌های شناخته شده‌ی جهانی مخالف رژیم حزب کمونیست چین در طول دهه‌های گذشته بوده است. وی با استقرار دولت در تبعید خود در کشور هند همواره از تلاش برای اعاده‌ی سرزمین تبت از چین فروگذار نکرده است. هرچند اکنون سال‌ها است که دالایی‌لما به استقلال کامل از چین فکر نمی‌کند اما افزایش تلاش‌های دولت چین برای همانندسازی و چینی‌سازی تبت باعث شده است تا دالایی‌لما هم‌چنان با فعالیت‌های بین‌المللی خود فشارهای خود را بر دولت پکن ادامه دهد. در این حال شورش‌های سال ۲۰۰۸ تبت هرچند با سرکوب دولت چین روبه‌رو شد، اما باعث شد تا دولت پکن نشانه‌هایی از تمایل به مذاکره با دالایی‌لما از خود نشان دهد. در این حال دور اخیر مذاکرات بین دولت در تبعید دالایی‌لما با دولت چین هرچند توسط نماینده‌گان دالایی‌لما در چین برگزار شد اما توجه به تمامیت ارضی و لاینفک خواندن تبت توسط چین باعث گردیده است تا این مذاکرات عملاً بی‌نتیجه شود، نتایجی که بی‌شک هم‌چنان موجب ادامه‌ی فشارهای کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده بر چین بر سر مسأله‌ی تبت شده و از سوی دیگر این رویکرد چین باعث افزایش توجه مقامات سیاسی و دولت‌های اروپایی و آمریکایی به دالایی‌لما خواهد شد. همان‌گونه که از قبل پیش‌بینی می‌شد

جوی که باعث شد تا این بازی به نوعی انتقام‌گیری از الجزایر تلقی شود. در این حال آنچه جالب است هرچند از نظر نژادی الجزایری‌ها بیش‌تر متعلق به نژاد بربر و مصری‌ها نژادی جداگانه از آن‌ها دارند اما نقاط اشتراکی هم‌چون زبان عربی و دین اسلام مانع از پیوندهای کشورهای نزدیک در این حوزه شده است. این رویکردها به نگاه بسیاری از جامعه‌شناسان به ضعف فرهنگ مدنی در کشورهای خاورمیانه و ساخت اقتدارگرایانه‌ی حکومت‌ها برمی‌گردد. حکومت‌هایی که با استفاده از به کار بردن ورزش در خدمت اهداف سیاسی خود (مانند حزب حاکم مصر) تلاش می‌کنند از آن به عنوان عاملی در جهت افزایش مشروعیت خود استفاده کنند و بر تقویت پایه‌های محبوبیت خود بیافزایند.



زمین لرزه‌ی سیاسی در هایتی!
زلزله‌ی ۷/۳ ریشتری ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰ زندگی و جامعه‌ی هایتی و پایتخت آن پرتوپرنس را دگرگون ساخت و بیش از ۲۱۰ هزار کشته و صدها هزار آواره و زخمی و مصیبت‌زده برجای گذاشت. در این حال رنه پرمال رئیس‌جمهوری دولت هایتی که با جمعیتی ۹ میلیونی از فقیرترین کشورهای آمریکای لاتین است به نظر می‌رسد هنوز چشم به راه کمک‌های میلیارد دلاری کشورهای قدرت‌مند صنعتی، اروپایی و آمریکایی است. در این حال دولت تقریباً از هم پاشیده و جامعه‌ی آسیب‌زده‌ی این کشور اکنون در آستانه‌ی یک تحول مهم قرار دارد؛ تحولی که آنان نقش کم‌تری در انتخابات آن خواهند داشت. از یک سو (چنان‌که تاکنون رخ داده است و با برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌هایی در طول و پس از زمین لرزه‌ی هایتی) زمین لرزه باعث افزایش توجه جامعه‌ی جهانی، نهادهای بین‌المللی و اقتصادی هم‌چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان ملل و کشورهای قدرت‌مند اقتصادی به وضع نابه‌سامان این کشور شده و باعث افزایش اعتبارات، وام‌های بلند مدت و کمک‌های

خواهد شد، سازمانی که با وجود گذشت سال‌ها از تشکیل آن دارای فعالیت چندانی در مقایسه با سایر سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی نمی‌باشد، بنابراین تشکیل نیروهای حافظ صلح اسلامی می‌تواند ابزار و اهرم قدرت‌مندی توسط سازمان کنفرانس اسلامی در جهت تثبیت و افزایش نقش خود در معادلات سیاسی و منطقه‌ای کشورهای اسلامی باشد. در این راستا البته باید توجه داشت که تشکیل این نیرو باید با توجه به پتانسیل‌های بحران‌زایی کشورهای اسلامی به دقت نگریسته شود و هم‌چنین به کار بردن آن در بحران‌های داخلی و یا مرزی کشورهای عضو سازمان باید بدان گونه‌ای باشد که موجب ایجاد شبهه و تردیدی درباره‌ی طرفداری این نیروها از یک طرف بحران نگردد.



فوتبال و سیاست بین مصر و الجزایر

کشورهای شمال آفریقا هرچند در قالب کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه‌ی آفریقا و دولت‌های منطقه‌ای و همسایه به شمار می‌روند و به علاوه به زبان عربی صحبت کرده و عضو اتحادیه‌ی عرب نیز محسوب می‌شوند اما بسیاری از آن‌ها به دنبال سیاست‌ها و راه‌بردهای خاص خود اهدافی متفاوت را پی‌گیری می‌کنند. در این حال این سیاست‌ها گاه در عرصه‌ی ورزش نمود بیش‌تری پیدا می‌کند و باعث اختلافات بین کشورها می‌شود. در چند ماه گذشته در دیدار تیم‌های فوتبال الجزایر با مصر این الجزایر بود که توانست با غلبه بر مصر به جام جهانی ۲۰۱۰ راه یابد، امری که باعث درگیری‌ها و افزایش اختلافات بسیاری میان دو کشور مصر و الجزایر شد و باعث اتفاقات ناگواری گردید. در سوی دیگر در جام ملت‌های آفریقا این مصر بود که با پیروزی بر الجزایر باعث ایجاد جو ویژه‌ای در مصر گردید،

قصاب معروف سال‌های گذشته‌ی عراق نتیجه‌ی رفتارهای خود را همانند صدام حسین به چشم ببیند. هرچند این اعدام ممکن است باعث افزایش مخالفت برخی از جناح‌های بعثی با دولت عراق شود، اما نسخه‌ی مرگ علی شیمیایی خواسته‌ی بسیاری از شهروندان عراقی بود که از مدت‌ها پیش پیچیده شده بود.



تقابل یا تعامل

۲۵ فوریه‌ی ۲۰۰۵ زمانی بود که سفیر وقت ایالات متحده‌ی آمریکا در اعتراض به آنچه دخالت سوریه در ترور رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان خوانده شد دمشق را ترک کرد. سیاستی که با افزایش فشارها از سوی دولت جرج بوش جمهوری‌خواه همراه شد و در پی آن تحریم‌هایی نیز از سوی واشنگتن بر ضد سوریه اعمال گردید. و در پی آن تحریم‌ها بر دامنه‌ی فشارهای سیاسی دولت آمریکا علیه سوریه افزوده شد. این فشارها بی‌شک بر سوریه تأثیرات مطلوبی نداشت و باعث کاهش روابط سوریه با متحدان ایالات متحده در منطقه‌ی خاورمیانه گردید. به علاوه در قضیه‌ی ترور رفیق حریری بیش‌ترین انگشت اتهام به سوی دمشق نشانه رفت. خروج نیروهای سوریه از لبنان هرچند باعث کاهش فشارهای واشنگتن شد اما همچنان تحریم‌ها و روابط دو کشور را تیره نگه داشته بود. سیاست خاورمیانه‌ای جدید آمریکا در زمانی پس از روی کار آمدن دموکرات‌ها در خاورمیانه بر اساس تغییر، باعث تحولاتی در روابط دمشق و واشنگتن گردید و اندک اندک یخ‌های روابط بین دو کشور باز شد. به‌طوری‌که بشار اسد از باراک اوباما برای سفر به سوریه دعوت کرد. به علاوه جرج میچل فرستاده‌ی ویژه‌ی آمریکا در خاورمیانه به دمشق سفر کرد و باعث شد اندکی از تحریم‌های آمریکا بر ضد سوریه کاسته شود.

اساسی روبه‌رو سازد. در تازه‌ترین تحولات سیاسی ترکیه آخرین خبرها حکایت از آن دارد که تعداد زیادی از فرماندهان و ژنرال‌های ترکیه برای طرح و اجرای یک کودتای نظامی دست‌گیر و به محاکمه کشیده شده‌اند. بی‌گمان دولت ترکیه نمی‌تواند به این زودی‌ها از موج ریشه‌دار و بسیار قوی باورهای لایسزم در ارتش آن کشور خود را کنار بکشد. آینده بسیاری از این پرسش‌ها را پاسخ خواهد داد.



مرگ محتوم کارگزاران و چماق‌داران حکومتی
علی حسن المجید مشهور به «علی شیمیایی» از نزدیکان و از مهم‌ترین چهره‌های شاخص حزب بعث در دوران صدام حسین بود. وی که به دلیل کشتار هزاران نفر از مردم حلبچه به علی شیمیایی معروف شده بود سرانجام پس از سال‌ها به مجازات خود رسید. مجازاتی که بی‌شک باعث خوش‌حالی زیادی در بین شهروندان عراقی به‌ویژه شیعیان و کردهای این کشور شد و حتا شهروندان مناطقی از کردستان هم‌چون حلبچه پس از اعدام علی شیمیایی به جشن و پای‌کوبی پرداختند. علی حسن المجید که با دست داشتن در کشتار شیعیان و کردهای عراق در جریان مبارزات آن‌ها برضد حزب بعث به رهبری صدام حسین دخالت گسترده داشت کوشیده بود تا با بی‌رحمی هرچه زیادتر شدیدترین کشتار را در حملاتی همانند بمباران شیمیایی حلبچه از خود نشان دهد. حملاتی که باعث کشته شدن بسیاری از شهروندان مخالف و حتا غیرنظامی‌های عراقی شد ولی این سیاست‌ها از سوی حزب بعث هم‌چنان ادامه داشت. اعدام علی شیمیایی با وجود آن‌که سال‌ها از پایان اقتدار حزب بعث بر عراق می‌گذرد همواره مورد نگرانی و تردید از سوی مقامات سیاسی عراق بود. در این حال برخی از احزاب سیاسی عرب سنی و شخصیت‌های متمایل به حزب بعث خواستار بخشش وی بودند، اما اصرار دولت نوری‌المالکی و همکاری شخصیت‌های کردهای عراق مبنی بر اعدام علی شیمیایی باعث شد تا سرانجام این

ملاقات باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا با دالایی‌لما از نظر چین دیداری خوش‌آیند نبوده و به همین سبب چین بر پی‌آمدهای آن هشدار داده است اما چنین به نظر می‌رسد که سنت دیدارهای دو دهه‌ای رؤسای جمهوری آمریکا با دالایی‌لما و استفاده از اهرم آن بر ضد چین هم‌چنان ادامه دارد.



تنش‌های سیاسی در ترکیه

کودتای ۱۹۸۰ در ترکیه اگرچه بر روال کودتاهای متعدد در این کشور انجام گرفت اما باعث ایجاد قانون اساسی جدیدی نیز شد. قانون اساسی‌ای که با نگاه ویژه و با فشار نظامیان تصویب گردید و به شاخه‌هایی هم‌چون دموکراسی، حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها کم‌تر اشاره شده است. قانون اساسی جاری همواره راه‌هایی را برای تداوم دخالت نظامیان در سیاست را باز نگه داشته است. نظامیانی که بی‌شک همواره خود را پاسبان نظام لاییک ترکیه می‌پندارند و امروزه نیز از کاهش نقش خود در جامعه‌ی ترکیه نگران هستند. طرح تغییر قانون اساسی ترکیه در سال‌های گذشته و با افزایش فشارهای اتحادیه‌ی اروپا برای استانداردهای قوانین ساختارها و بسترهای کشور ترکیه برای ورود در اتحادیه‌ی اروپا مورد توجه بیش‌تر حزب عدالت و توسعه قرار گرفته است. به علاوه طیف‌های متعددی از شهروندان، روشن‌فکران و احزاب دموکراسی‌خواه خواستار تغییر در قانون اساسی موجود هستند، قانون اساسی‌ای که همواره در آن جای‌گاه ویژه‌ای برای نظامیان متصور شده است و همین امر همواره باعث طرح کودتاها و فشارهای گسترده از سوی محافل نظامی برضد فرآیند دموکراسی در ترکیه بوده که شبه‌کودتای دهه‌ی ۱۹۹۰ برضد دولت اربکان یکی از آن‌ها به شمار می‌رود. کشف کودتای ارگنه نون در تابستان گذشته باعث افزایش توجه دولت اردوغان و مجلس ترکیه برای اصلاح قانون اساسی شده است. در این حال باید توجه داشت که تغییر قانون اساسی ترکیه هنوز با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. چالش‌هایی که می‌تواند تا تصویب و همه‌پرسی قانون اساسی جدید تدوین آن را به چالش‌های

شهروندان روسی روبه‌رو است. خواسته‌هایی که به نظر می‌رسد دیمیتری مدودوف رییس‌جمهور روسیه به آن نزدیک‌تر باشد چراکه مدودوف در طول دوران ریاست جمهوری خود بارها سخنانی حاکی از دموکراسی‌خواهی و پذیرش آن بر زبان آورده است. سنتی که با سنت تزاری و اقتدارگرایی پوتین چندان هم‌خوانی ندارد. در این حال هرچند به نگاه بسیاری مدودوف می‌کوشد تا با افزایش محبوبیت خود در نظر شهروندان روسی و گذر از ولادیمیر پوتین راه خود را در آینده‌ی انتخابات ریاست جمهوری روسیه هموار سازد اما به باور بسیاری این پوتین است که مرد آهنین روس‌ها به شمار می‌رود و هم‌چنان با استفاده از ابزارها و اهرم‌های متعدد، قدرت نخست را در روسیه در اختیار دارد.



نشست سوچی و بحران قره باغ

نشست سه جانبه‌ی رؤسای جمهور سه کشور ارمنستان، روسیه و آذربایجان در شهر سوچی روسیه نخستین نشست سه جانبه میان کشورهای مذکور در سال جدید میلادی بود. این نشست دو ساعته با میزبانی مدودوف هرچند در روند مذاکرات به بن‌بست رسیده‌ی بحران قره‌باغ گام‌هایی را برداشت اما نتوانست الهام‌علی‌اف و سرژ سرکیسیان را به برداشتن گام‌های محکم‌تر و بیش‌تری در راستای حل بحران‌های دو دهه‌ی جاری راضی کند. بحرانی که در طول دو دهه پس از فروپاشی شوروی بزرگ‌ترین بحران خطرناک منطقه‌ی قفقاز بوده و هم‌چنان دو کشور آذربایجان و ارمنستان را در لبه‌ی پرت‌گاه جنگ قرار داده است.



بین‌المللی و مشترک با ایالات متحده هم‌چون مسأله‌ی هسته‌ای ایران روی‌کردی چندان موافق با نظرات واشنگتن را پی‌گیری نکنند. در این راستا چینی‌ها به درستی و با نگاهی واقع‌گرایانه هرگز بر قطع روابط سیاسی و افزایش فشارهای خود بر آمریکا نمی‌اندیشند چراکه این چین است که در روابط تجاری و اقتصادی خود با آمریکا وابسته‌گی زیادی به صادرات کالاهای خود به ایالات متحده دارد. لذا تنش‌های موجود بر سر فروش تسلیحات آمریکا به تایوان نمی‌تواند بر سایر هم‌کاری‌ها بین دو قدرت تأثیر جدی داشته باشد و تنها ممکن است باعث کاهش هم‌کاری چین با آمریکا در مسایل بین‌المللی نظیر بحران کره‌ی شمالی شود. بی‌گمان بیش‌تر از دو دهه است که چین به اجبار دریافته است که تعامل تجاری با آمریکا بسیار باصرفه‌تر و سودآورتر از تعامل سیاسی با آن کشور خواهد بود.



روسیه و مطالبات دموکراسی خواهانه‌ی مردم
«ما به این جا آمده‌ایم تا نشان دهیم در روسیه همه طرفدار رژیم نیستند»، سخنان فوق را الگ الف فعال حقوق بشر قبل از دست‌گیری به وسیله‌ی پلیس روسیه در زمان تظاهرات ضدحکومتی این کشور در مسکو ایراد کرد. سخنانی که بیش از هر چیزی نشان‌دهنده‌ی حرکت تدریجی روسیه به فرار از قالب‌های تزاری، کمونیستی و اقتدارگرایی است و روس‌ها اندک اندک جامعه‌ی خود را باز و بازتر می‌کنند. شعارهای روسیه‌ی بدون پوتین و سایر شعارهای احزاب اپوزیسیون حزب روسیه‌ی واحد به رهبری پوتین، هرچند با حمله‌ی نیروهای پلیس و دست‌گیری شماری از تظاهرکننده‌گان در مسکو پایان یافت اما نشان از حرکت‌های اعتراضی ضد ولادیمیر پوتین مرد اقتدارگرا و صحنه‌گردان سیاست و رهبر واقعی روسیه است. پوتین که پس از پایان دوره‌ی ریاست جمهوری خود و قرار گرفتن در مقام نخست‌وزیری هم‌چنان رییس حزب روسیه و عملاً همه‌کاره‌ی سیاست‌های روسیه بوده و اینک با افزایش مطالبات دموکراسی‌خواهانه‌ی

اما به نظر می‌رسد بازگشت سفیر جدید آمریکا به دمشق پس از سفر اخیر جرج میچل به سوریه اندک اندک درهای روابط تقریباً عادی میان دو کشور را گشوده‌تر کرده است، درهایی که دمشق بر این امید است که با بازگشت سفیر آمریکا به سوریه پس از سال‌ها روابط صمیمانه‌تری بین دمشق و واشنگتن برقرار شود و به علاوه به کاهش و حذف تحریم‌های آمریکا علیه سوریه بیانجامد. در این حال سوری‌ها در نظر دارند تا با استفاده از نفوذ واشنگتن در قضیه‌ی پس‌گیری جولان از اسرائیل از آمریکا کمک بگیرند.



دیروز تبت، امروز تایوان، فردا؟! ...

جزیره‌ی تایوان در آن سوی تنگه‌ی تایوان همواره در چند دهه‌ی گذشته از متحدان نزدیک آمریکا به شمار می‌رفته است و همواره نیز اهرمی کارآمد از سوی آمریکا برای مهار چین کمونیست به کار گرفته شده و می‌شود. این اهرم از آن جا که در پیوند استراتژیک و ژئوپولیتیک خاصی با سیاست‌های واشنگتن در خاور دور است همواره باعث تحریک چین شده است چراکه چین با نگاهی نوستالژیک به تایوان می‌نگریسته است و بر این نظر است که با انجام گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز تایپه را مجبور به الحاق به خاک اصلی چین کند. در این سیاست توسعه طلبانه، پکن حتا به انجام تمهیدات نظامی نیز دست زده است. در این میان ماجرای فروش تسلیحات پیشرفته‌ی ۶/۴ میلیارد دلاری از سوی واشنگتن به تایپه به معضلی پیچیده در روابط چین و آمریکا تبدیل شده است، معضلی که با مخالفت‌های پی‌درپی چین با این روی‌کرد آمریکا ادامه یافته است، اما آمریکا که به تداوم اتحاد خود با تایوان می‌اندیشد انجام این تعهد نظامی را به تایوان امری حتمی تلقی می‌کند. بر این اساس پکن این سیاست واشنگتن را برخلاف تمامیت ارضی خود تلقی می‌کند و بر آن است تا با کاهش سطح هم‌کاری‌های خود در مسایل

۴۰



شماره
۸۲
و
۸۳

اسرائیلی سوریه و حتا بشار اسد را به سرنگونی تهدید کردند. این روی کردهای تل آویو باعث ایجاد واکنش‌هایی در دولت‌ها و احزاب سیاسی منطقه در حمایت از سوریه شد. در این حال روی کرد جدید تل آویو برای افزایش فشار بر سوریه برای انعقاد قرارداد صلح (زمین در برابر صلح) به نگاه بسیاری از کارشناسان فاقد الویت‌های مورد نظر سوری‌ها است، زیرا جولان به عنوان منطقه‌ی اشغالی سوریه که هم‌اکنون در تصرف اسرائیل است چندان با آینده‌ی روشنی روبه‌رو نیست. مقامات سیاسی سوریه نیز تاکنون با سیاستی محکم نگاه خود را از بازگرداندن جولان به کشورشان تغییر نداده‌اند؛ حتا اگر دولت دمشق در راستای افزایش فشار واشنگتن و اتحادیه‌ی اروپا با اسرائیل وارد مذاکره‌ی صلح گردد. همواره دولت سوریه از آن می‌هراسد که اسرائیلی‌ها (به‌ویژه کابینه‌ی راست‌گرای نتانیاو) با گذاردن پیش شرط‌هایی از واگذاری منطقه‌ی استراتژیک جولان به سوریه امتناع کنند و یا با اقدامی پیش‌گیرانه به یک حمله‌ی گسترده علیه سوریه و تمام هم‌پیمانان‌اش دست بزنند. اگر قسمت دوم این پیش‌بینی صورت گیرد هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان برنده‌ی جنگ خاورمیانه انتخاب شود.

۴۱

شماره
۸۲
و
۸۳



صربستان اروپایی و کرملین

صرب‌ها برادران اسلاوی روسیه بوده و هستند. این برادران هم‌نژاد زمانی از متحدان تاریخی روس‌ها چه در دوران تزارها و چه در دوران شوروی‌ها به حساب می‌آمدند. این اتحاد تا زمان سرنگونی میلو سوویچ در سال ۱۹۹۹ ادامه یافت و پس از سرنگونی رژیم میلو سوویچ روس‌ها با توجه به نزدیکی‌های فرهنگی، نژادی و تاریخی هم‌چنان از متحدان و دوستان نزدیک صربستان به شمار می‌رفتند. اگرچه روس‌ها اهمیت پیشین را در دید مقامات بلگراد نداشتند. با این حال نگاه نوستالژیکی روس‌ها به بالکان و صربستان زمانی که کوزوو به تدریج از صربستان جدا گردید آشکارتر

در این حال ورود طالبان از مبارزه‌ی نظامی به فاز سیاسی می‌تواند پی‌آمدهایی نیز داشته باشد. این‌که آیا نیروهای طالبان میانه‌رو و شرط‌های آن‌ها برای بررسی ورود به قدرت سیاسی افغانستان پذیرفته خواهد شد و این‌که چه سهمی از قدرت طبق قانون اساسی افغانستان به آن‌ها خواهد رسید؟ به علاوه از آن‌جا که بیش‌تر بدنه و طالبان از ساختار قومی پشتون هستند آیا با افزایش سهم و وزنه‌ی پشتون‌ها در ساختار سیاسی افغانستان تاجیک‌ها و هزاره‌ها به سمت مخالفت با حکومت پیش نخواهند رفت و از کاهش سهم سیاسی خود در قدرت ناراضی نخواهند شد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که هنوز پاسخ مشخصی برای آن‌ها پیدا نشده است. به علاوه هنوز مشخص نیست آیا شخصیت‌هایی که در گذشته همراه طالبان بوده‌اند (مثل گلبدین حکمت‌یار) تمایلی برای ورود به فاز سیاسی خواهند داشت یا این‌که هم‌چنان بر روی کرد اعتراضی خود ادامه خواهند داد؟ بدون شک مخالفان شرط‌هایی دارند، آیا کابل یا واشنگتن آن را مورد پذیرش قرار خواهند داد یا نه؟ ...



سوریه، اسرائیل، جنگ یا صلح؟!

سخنان تهدید آمیز ایهود باراک وزیر جنگ دولت راست‌گرای نتانیاو نخست‌وزیر اسرائیل باعث آغاز دور دیگری از تنش‌ها در مذاکرات ناکام صلح بین سوریه و اسرائیل شد. مذاکراتی که با حمله‌ی ارتش اسرائیل به باریکه‌ی غزه ناتمام باقی ماند و تلاش‌های میان‌جی‌گرانی نظیر ترکیه نیز تاکنون باعث آغاز مذاکرات جدی بین تل آویو و دمشق نشده است. در این حال سوری‌ها نیز در سوی دیگر تنش با افزایش حملات خود به اسرائیل، این کشور را جنگ طلب معرفی کرده‌اند. بشار اسد رییس‌جمهور سوریه در این راستا با دعوت از اسرائیل برای بازگشت به صلح از کشاندن منطقه به جنگ توسط دولت نتانیاو سخن گفت، و از سوی دیگر مقامات اسرائیلی مانند وزیر امور خارجه، وزیر جنگ و برخی از فرماندهان نظامی

شاید بتوان مهم‌ترین دست‌آورد نشست سوچی به میزبانی مدودوف را موافقت با رسمی کردن و فورمول‌بندی اصول مورد اختلاف بین طرفین درگیری یعنی باکو و ایروان دانست که عملاً دارای آن‌چنان اهمیت زیادی نیست. لذا هم‌چنان که بسیاری نیز می‌اندیشیدند نشست سوچی عملاً به اراده‌ی سیاسی روس‌ها گره خورد، اراده‌ای که با دیپلماسی دو جانبه‌ی مسکو به نوعی مانور سیاسی جدیدی از سوی مسکو برای نمایاندن نفوذ خود در منطقه‌ی حیاط خلوت روس‌ها در قفقاز تلقی می‌شود. در این حال پایدی و تداوم وضعیت نه جنگ و نه صلح در منطقه‌ی قره‌باغ که از سال‌ها پیش ادامه دارد، به نظر می‌رسد هم‌چنان در آینده نیز ادامه داشته باشد. چراکه نیروهای سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی و لابی‌های قدرت در کشورهای مهم اروپایی و آمریکایی بر حل و فصل و پایان گرفتن بحران قره‌باغ کوهستانی اصراری ندارد. در وضعیت فعلی دو کشور درگیر در بحران موجود، هر یک با تداوم سیاست فعلی آتش‌بس، با انتقال فعالیت‌های خود به بخش اقتصادی اصراری بر راه حل نظامی برای پایان دادن به مناقشات قره‌باغ ندارند.



طالبان، معضل مداوم

با برگزاری کنفرانس لندن در مورد افغانستان و توجه به مشارکت طالبان در ساختارهای سیاسی و جلب آن‌ها به سوی انجام تحرکات سیاسی مسالمت‌آمیز و شرکت در قدرت سیاسی، اینک به نظر می‌رسد دولت کابل و کشورهای عضو ناتو، به‌ویژه آمریکا می‌کوشند تا با بهره‌گیری از عنصر اقتصاد و کمک‌های مالی، طالبان میانه‌رو و نیازمند کمک‌های اقتصادی را از طالبان ایدئولوژیک و تندرو جدا کرده و ضمن دادن امتیازهایی چون مسکن و شغل به آن‌ها، نیروهای بدنه‌ی طالبان را از این ساختار بنیادگرای ایدئولوژیک جدا سازند. در این حال به نظر می‌رسد این طرح باعث آغاز حملات شدیدی بر ضد طالبان ایدئولوژیک و تندرو خواهد شد.

شد و مسکو بارها با اعلام مخالفت با استقلال کوزوو در مقام حمایت از بلگراد برآمد و حتا فشارهایی را بر دولت بلگراد برای پافشاری بیش‌تر در مقابل استقلال کوزوو انجام داد. اما شناسایی بین‌المللی و مشروعیت کوزوو توسط دولت‌های عضو ناتو و اتحادیه‌ی اروپا فرصت را بر مقامات کرم‌لین تنگ‌تر کرد. در این حال کرم‌لین که همواره به دولت بلگراد به عنوان یک دولت تاریخی می‌نگریسته است اینک شاهد آغاز عضویت صربستان در اتحادیه‌ی اروپا است. این گام‌ها با درخواست عضویت صربستان در اتحادیه‌ی اروپا و اجرای بخشی از توافق‌نامه‌های اقتصادی بین بلگراد و بروکسل رسمی‌تر شده است. بی‌شک تلاوم عضویت صربستان در اتحادیه‌ی اروپا هرچند به نفع اقتصاد صربستان است اما به تدریج این کشور را از گستره‌ی نفوذ روسیه دور می‌کند. در این حال ززمه‌هایی نیز از سوی برخی از جناح‌های غرب‌گرا در صربستان مبنی بر عضویت صربستان در ناتو شنیده می‌شود. عضویتی که بی‌شک روابط دوستانه‌ی صربستان - مسکو را تیره خواهد کرد و با واکنش‌های سخت‌تر روسیه روبه‌رو خواهد شد. در این راستا مقامات سیاسی مسکو نیز بر عضویت صربستان در ناتو هشدار داده‌اند.

روسیه در این کشمکش‌ها و چالش‌های بسیار گسترده و به‌ویژه پس از کشیده شدن اروپای شرقی به غرب به آسانی دریافته است که اروپا، ناتو، غرب و در رأس آن آمریکا، هر روز نسبت به روز قبل حصار بزرگ‌تری را دورتادور روسیه می‌کشند تا بل‌که بتوانند آن غول مهار ناشدنی تاریخ چندین صد ساله‌ی اروپا را به شکلی مطمئن‌تر در کنترل خود بگیرند ...



شباهت معاهده‌های «استارت ۱ و ۲ و ...» به عهدنامه‌های «سالت ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ...» گسترش ناتو به شرق همواره در طول دو دهه پس از فروپاشی شوروی از مهم‌ترین دغدغه‌های

امنیتی و نظامی نخبه‌گان و سیاستمداران نظامی و سیاسی روسیه بوده و هست، به‌طوری‌که هرچندگاه یک‌بار مقامات روسیه از این گسترش تکراری ناتو به شرق ابراز نگرانی کرده و همواره با استفاده از ابزارها و اهرم‌های ویژه‌ی خود همانند اسلحه‌ی گاز همسایه‌گان خود را از هرگونه پذیرش عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برحذر داشته‌اند. مقابله با این تهدید همواره جزئی مهم از استراتژی‌ها و دکترین‌های نظامی و سیاسی روسیه بوده است و کرم‌لین همواره در طول یک دهه‌ی اخیر تلاش‌های بسیاری را برای مقابله با این روند انجام داده، هرچند که بسیاری از این تلاش‌ها ناکام مانده و بسیاری از کشورهای خاوری اروپا به عضویت این سازمان درآمده و یا اکنون در حال طی کردن روند عضویت در این سازمان هستند. با این حال روسیه همواره کوشیده است تا با موضعی تهاجمی کشورهای همسایه‌ی خود و حتا دولت‌های اروپایی و آمریکایی را از گسترش ناتو به شرق برحذر دارد. در این بین با انتشار دکترین جدید نظامی روسیه توسعه‌ی ناتو هم‌چنان تهدیدی ملی برای روسیه قلمداد شده است. دکترین جدید نظامی روسیه اینک در شرایطی منتشر می‌شود که مسکو در حال مذاکره بر سر عقد پیمان جدید استارت است. پیمانی که جای‌گزین معاهده‌ی استارت ۱ خواهد شد و بستر جدیدی را برای نظام امنیتی آینده‌ی جهان مشخص خواهد کرد.

در هر حال آن‌چه مشخص است این است که دکترین‌ها، تئوری‌ها و سند‌های امنیت ملی روسیه در طول یک دهه‌ی گذشته نتوانسته است مانع از پیش‌روی ناتو به سوی شرق شود، اما سیاست روس‌ها در مورد فشار بر بروکسل و واشنگتن در قبال توقف پیش‌روی ناتو هم‌چنان ادامه خواهد داشت.

بی‌گمان اگر روس‌ها در توقف گسترش دامنه‌ی نفوذ ناتو به اروپای شرقی و مرزهای روسیه موفق نشوند، بدون هیچ‌گونه تردیدی جهان باید شاهد گسترش تسلیحات موشکی و استراتژیک غرب و شرق مانند آن‌چه که در دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی تا قبل از فروپاشی شوروی بود، باشد ...



دولت فیلیپین و اقلیت موروا

«خودمختاری پیشرفته» عنوان طرحی است که دولت فیلیپین در مذاکرات اخیر خود در جبهه‌ی اسلامی موروا در مالزی به مسلمانان

مخالف حکومت پیشنهاد داده است. طرحی که چنان‌چه با پذیرش مسلمانان موروا در جنوب فیلیپین روبه‌رو شود نزدیک به چهار دهه تنش و درگیری نظامی بین ارتش فیلیپین و مسلمانان موروا خاتمه یافت. بنا به آن‌چه مقامات دولت «کلوریا آریو» رئیس‌جمهوری فیلیپین اعلام کرده‌اند، هرچند این طرح خودمختاری زیادی را برای اقلیت مسلمان در جنوب فیلیپین و جزایری همانند میندانائو قابل خواهد شد اما تا آرزوی دیرینه و چند دهه‌ای استقلال کامل موروا فاصله‌ی بسیاری دارد. در این حال چنان‌چه نگاهی واقع‌گرایانه به وضعیت سیاسی مناطق مسلمان‌نشین جنوب فیلیپین داشته باشیم، درمی‌یابیم که با وجود چهار دهه جنگ و برقراری آتش‌بس‌های دوره‌ای و مذاکرات مکرر صلح و پیمان‌نامه‌های متفاوت ترک مخاصمه هم‌چنان این درگیری‌ها از سوی اقلیت مسلمان ساکن جزایر جنوبی با دولت مرکزی فیلیپین ادامه دارد. به علاوه حضور و وجود گروه‌های افراطی و متحد با ال‌قاعده هم‌چون ابوسیف باعث توجه و افزایش حضور نیروهای بیش‌تر ایالات متحده‌ی آمریکا در این مناطق شده است. حضوری که در هم‌کاری با نیروهای ارتش فیلیپین برضد بنیادگرایان اسلامی و گروه ابوسیف به کار گرفته شده است.

آن‌چه مشخص است هرچند جبهه‌ی اسلامی موروا بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گروه سیاسی مسلمانان موروا در فیلیپین به شمار می‌رود، اما چنان‌چه صلحی نیز از سوی دولت مانیل با این جبهه برقرار شود (از آن‌جا که احزاب رقیب دیگری نیز در مخالفت با جبهه‌ی اسلامی موروا در این مناطق وجود دارند) دست‌رسی به صلح زودرس چندان آسان نخواهد بود. این امر به نظر می‌رسد یکی از عواملی است که باعث حضور همواره‌ی نظامیان و ارتش فیلیپین در این مناطق شده است.



بحران‌های پیش‌روی روسیه در آسیای مرکزی قزاقستان هرچند بزرگ‌ترین کشور آسیای مرکزی محسوب می‌شود، اما وجود اقلیتی بزرگ از روس‌ها

است. راجا پاکسا که اکنون با اتهام‌هایی هم‌چون نقض حقوق بشر، کشتار غیرنظامیان و ... (در مورد حملات و سرکوب سازمان آزادی‌بخش بیرهای تامیل در شرق و شمال کشور روبه‌رو است) با رد این اتهام‌ها خواستار رفع فشار از سوی نهادهای حقوق بشری، اتحادیه‌ی اروپا و انگلستان شده است. در این بین برگزاری انتخابات اخیر ریاست جمهوری و رقابت راجا پاکسا با ژنرال سابق سادات فونسکا اکنون سری‌لانکا را در شرایط و وضعیت نوبنی قرار داده است. دست‌گیری شمار زیادی از افسران ارتش و سپس دست‌گیری ژنرال فونسکا (رقیب عمده‌ی پاکسا) به اتهام کودتا، بیان‌گر ادامه‌ی تنش در فضای سیاسی داخلی سری‌لانکا است. در این بین سفر چاندرا به مسکو و اعطای وام ۳۰۰ میلیون دلاری از سوی روسیه به دولت کلمبو نشان از عمق روابط روسیه با سری‌لانکا دارد، روابطی که پاکسا بی‌شک برای فرار از فشارهای غرب به حفظ و گسترش آن با روسیه و چین بسیار خشنود است. در این حال عقد قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های دیگری نیز پی‌آمد سفر پاکسا به روسیه و دیدار با مقامات سیاسی روسیه از جمله مدودوف راه‌بر برای نزدیکی بیشتر سری‌لانکا به روسیه و نفوذ روس‌ها در این کشور بسیار بیش‌تر کرده است. آنچه مشخص است نگاه استراتژیک مسکو به سری‌لانکا در جنوب شبه‌قاره‌ی هند می‌باشد که در واقع جزیره‌ای استراتژیک به شمار می‌رود. این موضوع می‌تواند پایه‌های استراتژیک اتحاد بین مسکو و کلمبو را افزایش داده و علاوه بر آن باعث افزایش نفوذ از دست رفته‌ی روسیه در جنوب آسیا شود. نفوذی که بی‌شک به رقابت با آمریکا که نقش مهمی در منطقه داشته است خواهد پرداخت.

۴۳



شماره
۸۲
و
۸۳



عراق در آزمون نخستین دموکراسی پارلمانی منطقه

انتخابات آینده‌ی پارلمانی در عراق عملاً مهم‌ترین گام دولت جدید و بومی عراق (نوری المالکی) برای برگزاری انتخابات مستقل در این کشور

کوچک، فقیر و آسیب‌پذیر آسیای مرکزی همواره در طول حیات دوده‌های خود پس از استقلال از شوروی با مشکلات بزرگ و عدیده‌ای دست به‌گریبان بوده است. اما سیاست‌های دولت آقای رحمان تاندازه‌ای توانسته است این کشور را در مقابله با چالش‌ها و آسیب‌های اقتصادی سرپا نگه دارد. امروزه نزدیک به یک میلیون از شهروندان تاجیکستان در روسیه و کشورهای هم‌سود به کار اشتغال دارند، چراکه وقایع دوران جنگ داخلی و اقتصاد ضعیف تاجیکستان در کنار بی‌کاری گسترده همواره باعث مهاجرت نیروی کار این کشور به خارج شده است. همین عامل باعث افزایش به‌کارگیری این اهرم از طرف روس‌ها بر ضد مقامات دوشنبه بوده است، به طوری که روس‌ها به‌ویژه در دوران رکود بحران اقتصاد جهانی بسیاری از کارگران تاجیک را اخراج کرده‌اند. در این حال از سال‌ها پیش طرح‌هایی مبنی بر اعزام نیروی کار تاجیک به عربستان وجود داشته است. طرح‌هایی که به نگاه کارشناسان موجب افزایش نفوذ و هابیت در تاجیکستان خواهد شد. در این حال باید اشاره کرد اقتصاد قدرت‌مند عربستان سعودی که وابسته به نفت و هجوم میلیون‌ها مسلمان در هر سال برای زیارت کعبه است همواره کوشیده است تا با کمک‌های مالی و اقتصادی خود و تزریق میلیاردها دلار در اقتصاد بیمار این‌گونه کشورها، جنبش وهابیت را در میان کشورهای مسلمان به‌ویژه مناطقی هم‌چون آسیای مرکزی و قفقاز افزایش دهد. این سیاست عربستان که بی‌شک باعث افزایش بنیادگرایی در منطقه خواهد شد، همواره موجب نگرانی مقامات کشورهای آسیای میانه به‌ویژه تاجیکستان بوده است. در این حال این کشور ناچار خواهد بود برای رفع مشکلات اقتصادی خود درصدی از نیروی کار خود را به عربستان اعزام کند. چنانچه عربستان در پیش‌برد هدف‌های استراتژیک خود موفق بشود، باید در انتظار حضور نیروهای دیگری در مقاله با هدف‌های توسعه‌طلبانه‌ی عربستان در منطقه‌ی آسیای مرکزی بود.



روس‌ها و حضور دوباره‌شان در جنوب آسیا

عکس: رییس جمهوری سری‌لانکا، بیرهای تامیل سفر ماهیندرا راجا پاکسا رییس جمهوری جدید و پیروز انتخابات اخیر سری‌لانکا به مسکو در واقع، نوعی گرایش راجا پاکسا به روسیه و فرار از فشارهای غرب، اتحادیه‌ی اروپا و سازمان ملل

در این کشور باعث تداوم وابستگی‌های مختلف به روسیه شده است. هرچند در این بین مقامات قزاق و دولت آستانه کوشیده‌اند تا با احیای هویت قزاقی خود از همبستگی‌های چندگانه‌ی خود با روسیه بکاهند. در این راستا نورسلطان نظربایوف رییس جمهوری کشور قزاقستان خواستار قطع برنامه‌های بی‌گانه از شبکه‌های تلویزیونی قزاقستان شده است. نظربایوف با اشاره به توجه کم‌تر رسانه‌های کشور به مسایل داخلی عملاً این روند را به نقد کشیده است. بی‌شک مقامات روسیه که پس از فروپاشی شوروی کوشیده‌اند تا با پخش برنامه‌های روسی زبان در میان جمهوری‌های سابق همواره نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را در بین این کشورها پابرجا نگه دارند، اما در سال‌های گذشته این دولت‌ها و حکومت‌های ملی بوده‌اند که کوشیده‌اند تا با کاهش فعالیت تلویزیون‌های روسی زبان و یا کاهش پخش آن‌ها در قلمروی مرزی خود زمینه‌ی افزایش استقلال رسانه‌های خود را از روسیه افزایش دهند. در این بین تلاش قزاقستان و تاجیکستان می‌تواند نمونه‌ی بزرگی باشد. در تاجیکستان نیز در طول یک سال گذشته فعالیت‌های تلویزیونی و شبکه‌های روسی زبان زیرنظر بیش‌تر مقامات تاجیک قرار گرفته و حتا تلاش‌هایی نیز برای قطع این برنامه‌ها هم‌چون شبکه‌ی آر.تی.آر. پلاتینا و آی.آر.تی انجام شده است. این سیاست دولت تاجیکستان هرچند بی‌گمان با ناخرسندی مقامات روسی مواجه شده و خواهد شد، اما زمینه‌ی استقلال بیش‌تر کشور تاجیکستان و کشورهای آسیای مرکزی را از روسیه فراهم می‌کند و زمینه‌ی تسلط بیش‌تر دولت‌های ملی بر فضای رسانه‌ای داخل کشور را فراهم‌تر خواهد کرد.



وهابیت و عربستان در آسیای مرکزی

گشایش نخستین سفارت کشورهای عضو اتحادیه‌ی عرب در تاجیکستان توسط عربستان سعودی در دوشنبه پایتخت جمهوری فارسی زبان تاجیکستان نشان از افزایش توجه ریاض به منطقه‌ی آسیای مرکزی و به‌ویژه جمهوری تاجیکستان است. تاجیکستان کشور



اوکراین روسی یا؟! ...

هرچند انتخابات دور دوم ریاست جمهوری اوکراین با برتری نسبی ۴۸ درصدی ویکتور یانکوویچ و اختلاف ۳ درصدی با یولیا تیموشنکو پایان یافت، اما تیموشنکو بر نتیجه‌ی انتخابات به‌ویژه در کریمرا اعتراض داشته و با شکایت به دادگاه خواستار بازشماری آرا شده است. به هر حال به نظر می‌رسد چنانچه نتایج نهایی انتخابات با اعلام پیروزی ویکتور یانکوویچ روس‌گرا به پایان رسد و وی زمام آینده‌ی کشور را در دست گیرد اوکراین با گردشی به عقب روبه‌رو خواهد بود. گردشی که سیاست‌های ۵ ساله و نتایج آن در زمان یوشچنکو را به چالش خواهد کشید و سیاست‌های اروپاگرایانه و غرب‌گرایانه‌ی کیف را به سیاست اتحاد با روسیه و کرملین بدل خواهد کرد. یانکوویچ رهبر حزب مناطق اوکراین که با حمایت روس‌های اوکراین، حزب روسیه‌ی واحد و کاخ کرملین مواجه بوده است، با تکیه بر کرسی رییس‌جمهوری اوکراین، عملاً کیف را از ادامه‌ی پی‌گیری راه خود در عضویت در اتحادیه‌ی اروپا و سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) باز خواهد داشت. یانکوویچ پیروز همان‌گونه که پیش از انتخابات هم نشان داده است کسی خواهد بود که اوکراین را به دامان روس‌ها باز خواهد گرداند و به تنش‌های ۵ ساله‌ی دولت اوکراین با روسیه را پایان خواهد بخشید. تنش‌هایی که بر سر گذر خط لوله‌های انرژی از سرزمین اوکراین، پرداخت حق انتقال و ترانزیت و قیمت گاز صادراتی، درخواست عضویت اوکراین در سازمان ناتو، عبور خط لوله‌ی جریان جنوبی از آب‌های اوکراین، مسأله‌ی ناوگان دریای سیاه و ... همواره باعث ایجاد تنش‌هایی بین روسیه و اوکراین شده بود.

چنین به نظر می‌رسد اوکراین زیر مدیریت ویکتور یانکوویچ روس‌گرا، از اوکراین با مدیریت یولیا تیموشنکو غرب‌گرا از اوضاع اقتصادی و سیاسی بهتری حتماً از سال‌های نخست پیروزی نارنجی‌ها به رهبری رییس‌جمهوری پیشین (یوشچنکو) برخوردار باشد، مگر این‌که ویکتور یانکوویچ بخواند اوکراین را مانند گذشته در دامان کرملین بیندازد!! ...

آیا مدودوف رقیب پوتین است؟! ...

دیمیتری مدودوف هرچند در یک سال گذشته کوشیده است به تدریج از زیر سایه‌ی قدرت‌مندان‌هی ولادیمیر پوتین رهبر حزب روسیه‌ی واحد و نخست‌وزیر کنونی روسیه بیرون بیاید، اما به باور بسیاری هنوز در این راه نتوانسته است نقش نخست را در روسیه بر عهده گیرد. با این حال دیمیتری مدودوف کوشیده است تا در یک سال گذشته در سخنان و رفتار خود از الگوی اقتدارگرایانه‌ی پوتین اندکی فاصله گرفته و گاه با ایراد سخنانی متفاوت توجه مردم و شهروندان روسیه را به خود معطوف دارد. در این بین مدودوف نگاهی به انتخابات آینده‌ی ریاست‌جمهوری روسیه دارد. انتخاباتی که بی‌شک پوتین تلاش خواهد کرد در آن نامزد حزب روسیه‌ی واحد باشد و در این بین این مدودوف بازنده‌ی اصلی حضور دوباره‌ی پوتین بر پست ریاست‌جمهوری خواهد بود. مدودوف هرچند سخن گفتن از آینده‌ی شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را زود دانسته ولی گفته است با پوتین بر سر این مسأله به توافق خواهند رسید، اما سخنان و گفته‌های وی حکایت از برنامه‌ها و اهدافی است که باعث افزایش محبوبیت وی در بین مردم روسیه به‌ویژه نسل جوان شود. در این راستا وی گاه با به نقد کشیدن ساختارهای گذشته و کنونی و انتقاد از وضعیت موجود روسیه از وابستگی زیاد اقتصاد کشور به نفت ناخرسندی خود را اعلام داشته است. شرایط کنونی کشور انتقاد می‌کند. شرایط داخلی روسیه و حتا مخالفان داخلی و خارجی مسکو بر این نظر هستند که در شرایط کنونی این پوتین است که عملاً همه‌کاره‌ی روسیه به شمار می‌رود و در آینده نیز رییس‌جمهور و رهبر و صحنه‌گردان واقعی بازی سیاسی در روسیه کسی جز پوتین نخواهد بود.



اینک گذرنامه‌های روسی در اختیار دارند. اقدام دیگر این‌که وزیر امور خارجه‌ی اوستیای جنوبی (مورات جیویف) اخیراً در توافق‌نامه‌ای، لغو سیستم روادید بین دو کشور را با همتای روسی خود امضا کرده است که به نظر می‌رسد گام‌هایی استوار در هم‌گرایی بیش‌تر با روسیه تلقی می‌شود.



سپر موشکی: دفاعی یا تهاجمی

لغو سپر موشکی ایالات متحده در لهستان و چک در چند ماه گذشته باعث افزایش توجه آمریکا به جای‌گزین‌هایی هم‌چون اسرائیل، ترکیه، رومانی و کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس شده است. مذاکرات بر سر نصب این سامانه‌های سپر دفاع موشکی از تابستان گذشته تا کنون ادامه یافته است و در یک مورد واشنگتن موفق به اقناع دولت رومانی برای نصب این سامانه‌ها در خاک این کشور شده است، اما در مورد ترکیه و چهار کشور حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس (قطر، امارات، بحرین، کویت) این مذاکرات ادامه دارد و هنوز نتایج مشخصی از نصب سامانه‌های سپر موشکی در این کشورها انتشار نیافته است. در مورد ترکیه، سفر اردوغان نخست‌وزیر ترکیه به واشنگتن، درخواست اوپاما از ترکیه برای استقرار این سامانه در خاک ترکیه گمان‌ها را درباره‌ی احتمال هم‌کاری آنکارا با واشنگتن افزایش داده است. به‌علاوه سفر وزیر امور خارجه‌ی آمریکا رابرت گیتس به ترکیه و مذاکره با مقامات سیاسی و نظامی ترکیه این احتمال را افزایش داده است، اما به نگاه بسیاری از کارشناسان تردیدهای بسیاری از سوی حزب عدالت و توسعه درباره‌ی پذیرش طرح سپر موشکی آمریکا وجود دارد، چرا که بی‌شک بر روابط ترکیه با ایران و روسیه تأثیرگذار خواهد بود به‌ویژه با افزایش فشارهای مسکو روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس هرچند از گذشته پایگاه‌های

افغانستان دانست، موفقیت‌هایی که بی‌شک در کنار کاهش نقش ایران در افغانستان ادامه یافته است. چه کسی برای حضور در ترکیه در اولویت قرار دارد: ترکیه با بیش‌تر از ۲۰۰۰ کیلومتر فاصله و یا ایران با صفر کیلومتر فاصله با افغانستان؟!



باچ‌گیری روس‌ها از غرب

عکس: جنگ چین، جنگ روسیه و گرجستان اوستیای جنوبی و آبخازیا همواره دو جمهوری و منطقه‌ی خودمختاری بوده‌اند که پس از شناسایی آن‌ها به وسیله‌ی روسیه (در جنگ ۵ روزه تابستان ۲۰۰۸ بین گرجستان و روسیه) همواره به عاملی تنش‌زا در روابط میان مسکو، تفلیس و واشنگتن بدل شده است. این مشکلات اساسی هم‌چنان وجود داشته و همواره کاخ کرملین با استفاده از این دو کارت طلایی خود فشارهایی را بر گرجستان و ناتو وارد می‌کند. به نظر می‌رسد روس‌های که استقلال این جمهوری‌ها را به رسمیت شناخته و با دیپلماسی خود خواستار شناسایی آن‌ها توسط کشورهای بیش‌تری در جهان هستند، با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌باشند. به علاوه اجلاس وزیران ناتو و درخواست آنان از مسکو مبنی بر رد شناسایی سیاسی و حقوقی روسیه در مورد دو جمهوری، رئیس‌جمهوری روسیه را تحت فشار قرار داده است. اما در مقابل روس‌ها که به نیکی از دو جمهوری فوق (اوستیای جنوبی و آبخازی) برای فشار بر گرجستان و ناتو استفاده کرده‌اند، بر آن هستند که با افزایش فشارهای خود گزینه‌هایی هم‌چون الحاق دو جمهوری اوستیای جنوبی و آبخازیا را به فدراسیون روسیه مدنظر قرار دهند. هرچند که به نظر می‌رسد روس‌ها تاکنون در راستای این اقدام سیاست‌هایی را علناً اعلام نکرده‌اند، اما عقد قراردادهای تفاهم‌نامه‌های بسیار نظامی، اقتصادی و سیاسی بین دولت مسکو و دو جمهوری فوق و وجود نظامیان بسیار روسی در خاک این دو منطقه این دو جمهوری را به طور عملی در اختیار روسیه قرار داده است. در این میان بسیاری از شهروندان این دو جمهوری



ترکیه و حرکت به سوی آسیای مرکزی

سیاست خارجی ترکیه هرچند در طول دوره‌ی پس از عثمانی همواره نگاهی غرب‌گرا داشته و کم‌تر به خاورمیانه و کشورهای مسلمان می‌نگریسته است، اما فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای تازه تأسیس ترک زبان هم‌چون ترکمنستان، قرقیزستان، آذربایجان، ازبکستان و قزاقستان باعث افزایش توجه ترکیه به آسیای مرکزی و قفقاز شده است. این سیاست بر مبنای نگاه به منافع ملی و اقتصادی و سیاسی ترک‌ها بوده است و از قبل آن، این آنکارا بوده است که موفق به نفوذ زیادی در کشورهای این حوزه شده است. وجود اقلیت ازبک‌ها در شمال افغانستان به عنوان پتانسیلی برای نفوذ ترکیه در افغانستان همواره مدنظر کارشناسان و مقامات سیاست خارجی ترکیه بوده است و بر همین مبنای سقوط طالبان، ترکیه از کشورهایی بود که با ارسال نظامیان خود در قالب نیروهای بین‌المللی کوشید نقش مهمی را در افغانستان بر عهده گیرد. این نقش در قالب کمک‌های اقتصادی، مالی و نظامی ترکیه به افغانستان تداوم یافت و باعث افزایش نفوذ ترکیه در افغانستان به‌ویژه در مناطق ازبک‌نشین شد. در این میان نقش عبدالرشید دوستم (که اینک فرماندهی ارتش افغانستان است) را می‌توان حلقه‌ی واسطی به شمار آورد که از آن طریق ترکیه کوشیده است نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد. دوستم ازبک تبار همواره با آنکارا روابط نزدیکی داشته و دارد. سیاست نگاه به شرق در دوره‌ی جدید دولت اردوغان موجب افزایش توجه ترکیه به شرق خاورمیانه شد. در این حال ترکیه کوشیده است تا نقش خود را در خاورمیانه و کشورهای مسلمان افزایش دهد. همین امر باعث توجه افزون آنکارا به کابل شده است به طوری که کنفرانس استانبول با شرکت مقام‌های منطقه درباره‌ی افغانستان و قرارداد جدید آموزش نیروهای نظامی و انتظامی افغانستان توسط ترکیه را می‌توان موفقیت‌های بسیاری برای ترکیه در

و گفت‌وگوهایی با سران کشورهای مختلف، قصد دارند جدا از تشکیل ارتشی نوین و قدرت‌مند برای مقابله با مخالفان بنیادگرا و نیروهای ال‌قاعده، کمک‌های اقتصادی کشورهای دیگر را به سوی سومالی روانه کنند. در این راستا دولت سومالی موفق شده است تا میلیون‌ها دلار کمک نظامی و اقتصادی را دریافت دارد که جدا از رسیدگی به مسأله فقرای بسیار زیاد و آواره‌گان ۱/۵ میلیونی این کشور، پناهنده‌گان را نیز بتواند تحت پوشش خود قرار دهد. در این بین آن‌چه مشخص است تقویت دولت مرکزی سومالی است. در این صورت با قدرت گرفتن بیش‌تر اقتصادی و نظامی سومالی، از قدرت شبه نظامیان بنیادگرا و متحدان ال‌قاعده در این کشور کاسته خواهد شد. به علاوه باعث برقراری امنیت در سومالی و آب‌های ساحلی و سرزمینی آن (مسأله‌ی دزدان دریایی) خواهد گردید. گذشته از آن مانع از حضور مستقیم نیروهای آمریکا در منطقه نیز می‌شود.



آفریقای ماندلا!

جمهوری آفریقای جنوبی در حالی بیست و پنجمین سالروز آزادی نلسون ماندلا رهبر بزرگ خود را از زندان آپارتاید آفریقای جنوبی جشن گرفت که روزبه‌روز بر اهمیت قدرت این کشور در حوزه‌ی جنوب آفریقا و در سطح جامعه‌ی جهانی افزوده می‌شود. نلسون ماندلا رهبر معنوی حزب کنگره‌ی ملی آفریقای جنوبی که بیست و هفت سال در زندان رژیم آپارتاید به سر می‌برد با توجه به فرو رفتن بیش‌تر رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در محاصره‌ی اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی مقامات این کشور اندک اندک درهای خود را به روی دیگر اقوام، مذاهب و رنگین‌پوستان گشودند. بدین گونه بود که در فوریه‌ی ۱۹۹۰ ماندلا بزرگ از زندان آزاد شد. با سقوط آپارتاید و آغاز دوران دیگری از جامعه‌ی آفریقای جنوبی دموکراسی و انتخابات سیاسی با شرکت همه‌ی اقوام، نژادها و مردم این کشور برگزار شد و این نلسون ماندلا بود که با رهبری کشور، عملاً راه توسعه، پیشرفت و

در اروپای شرقی و خاک رومانی هرچند باعث افزایش فشارهای کاخ کرملین بر دولت بخارست خواهد شد، اما امتیازها و پی‌آمدهای مثبت زیادی که برای دولت بخارست دارد موجب شده است تا رهبران رومانی به درخواست واشنگتن پاسخ مثبت دهند. در این حال این امتیازها می‌تواند شامل طیفی از کمک‌های اقتصادی، نظامی و ... برای رومانی شود. همین امر بی‌شک از مشوق‌هایی است که در صورت تصویب پارلمان رومانی موجب تمایل بیش‌تر غرب و ناتو به هم‌گرایی بیش‌تر و اعطای کمک‌های مختلف به دولت بخارست شود.



سومالی و ال‌قاعده

سومالی هم‌چنان در اولویت‌های سیاست‌های اتحادیه‌ی آفریقا و از بحران‌های پیش روی جامعه‌ی جهانی و خاورمیانه است. بحرانی که گویا روی پایانی ندارد و با وجود گذشت حدود دو دهه از بحران داخلی در این کشور، سومالی هم‌چنان یکی از قوی‌ترین، بحرانی‌ترین و ناامن‌ترین کشورهای حوزه‌ی شاخ آفریقا و خاورمیانه، به شمار می‌رود. همین امر این کشور را به جولان‌گاه مطمئنی برای نیروهای بنیادگرا و تروریست ال‌قاعده تبدیل کرده است. به‌ویژه این‌که جنبش اسلامی الشباب و از مهم‌ترین جنبش‌های مخالف دولت انتقالی سومالی در یک سال گذشته با اعلام تبعیت خود از اسامه بن‌لادن رهبر ال‌قاعده، عملاً پیوند استراتژیک و ایدئولوژیکی خود را با ال‌قاعده اعلام کرده است. حضور نیروهای حافظ صلح اتحادیه‌ی آفریقا و کمک سازمان‌های بین‌المللی در چند ماه گذشته باعث جلوگیری از سقوط دولت انتقالی سومالی به رهبری شریف شیخ احمد شده است. دولتی که هرچند توسط جامعه‌ی جهانی دارای مشروعیت بین‌المللی است، اما نقاط بسیاری از خاک این کشور را در تصرف خود ندارد و جنبش الشباب حزب اسلامی، دو مخالف عمده‌ی دولت، نقاط بسیاری از کشور و حتی پایتخت سومالی (موگادیشو) را در تصرف خود دارند. در این حال رئیس‌جمهوری سومالی و وزیر امور خارجه‌ی این کشور علی‌احمد جانگلی با اتخاذ دیپلماسی

نظامی (زمینی، دریایی و هوایی) آمریکا را در خود جای داده‌اند، اما آیا این کشورهای به راستی از پی‌آمدهای احتمال پذیرش این طرح آگاهی دارند؟ پی‌آمدهایی که ممکن است در روابط آن‌ها با ایران و روسیه و حتا چین تأثیرگذار باشد. در این حال افزایش فشار واشنگتن و اعطای امتیازها و مشوق‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی ممکن است کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس را به پذیرش طرح سپر موشکی آمریکا وادارد.



نظامیان آمریکایی در رومانی

با تصویب شورای عالی دفاعی کشور رومانی در اروپای شرقی و حاشیه‌ی دریای سیاه و هم‌مرز با جمهوری اوکراین اینک توجه کاخ کرملین بیش‌تر به رومانی معطوف می‌شود. آمریکا که در تابستان گذشته با استقرار برنامه‌ی سپر موشکی خود تحت فشارهای روسیه از لهستان و چک کناره گرفت، از همان زمان به دنبال آلت‌رناتیو‌هایی جدید برای استقرار سپر موشکی بود که رومانی یکی از آن گزینه‌ها بود. با انتخاب دوباره‌ی رئیس‌جمهور ترایان باسکو به رئیس‌جمهوری در رومانی، گمانه‌ها برای افزایش هم‌کاری استراتژیکی بخارست- واشنگتن افزایش یافت. در این میان پیوستن رومانی به برنامه‌ی سپر موشکی آمریکا اولویتی است که اکنون دولت رومانی انتخاب کرده است و در پی آن است که در آینده‌ی نزدیک یا در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ استقرار موشک‌های ره‌گیر یا سیستم‌ریدیایی الکترونی آمریکا در رومانی به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ی دریای سیاه مستقر شود. استقراری که از هم‌اینک با اعتراض‌های مکرر روسیه روبرو شده است. اما به نظر می‌رسد این واشنگتن است که با درخواست از دولت رومانی و مذاکراتی مهم با مقامات این کشور انجام داده است، زمینه‌ی استقرار برنامه‌ی سپر موشکی خود را در خاک این کشور فراهم کرده است. بی‌شک استقرار سامانه‌ی دفاع موشکی آمریکا

جهانی شرکت می‌جوید و گاه با شتر خویش و شیر شتر و بزهای اش. این رفتارهای عجیب در داخل لیبی نیز تنها به واسطه‌ی اتکای دولت وی به میلیاردها دلار درآمد نفتی است که هم‌چنان وی را بر اریکه‌ی قدرت نگه داشته است. در چند ماه گذشته، قزافی تلاش کرد تا در آستانه‌ی پایان ریاست کشورش بر اتحادیه‌ی آفریقا با واردکردن فشار بر کشورهای عضو اتحادیه‌ی آفریقا ریاست یک ساله‌ی کشورش را تمدید کند. این سیاست قزافی با واکنش‌ها و مخالفت‌های بسیاری از جانب رهبران و کشورهای آفریقای جنوبی روبه‌رو شد. این رفتارها و سیاست‌های خارج از عرف دیپلماتیک قزافی با آن‌که سال‌ها از حکمرانی وی بر کشور لیبی می‌گذرد ادامه داشته و دارد. به طور مثال با آن‌که سه دهه از ورود امام موسا

صدر (رهبر شیعی لبنان) در سال ۱۹۷۸ به لیبی همراه با چند نفر دیگر می‌گذرد و از همان زمان نیز سرنوشت امام موسا صدر در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته، اما با وجود گمانه‌ها و حدس‌های بسیاری که درباره‌ی مسئولیت دولت طرابلس و شخص قزافی در زندانی کردن و قتل امام موسا صدر و همراهان وی وجود دارد، وی هم‌چنان از پاسخ‌گویی به این امر طفره می‌رود، در حالی که اکنون مسجل شده است که دولت لیبی برخلاف قوانین و عرف بین‌المللی از پاسخ‌گویی در این راستا کناره می‌گیرد.



در این بین دولت و احزاب و جناح‌های لبنانی فارغ از ۸ مارس و ۱۴ مارس بر آن هستند تا با تحریم نشست آینده‌ی اجلاس سران اتحادیه‌ی عرب، این کشور را زیر فشار خود قرار دهند. چنان‌چه نبیه بری رییس پارلمان لبنان نیز بر آن تأکید کرده است و دولت لبنان نیز قصد دارد تا با تحریم نشست سران اتحادیه‌ی عرب در لیبی و یا حضور حداقلی در آن، فشارهای خود

فشارهای سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌هایی هم‌چون ایالات متحده بر دولت خارطوم به‌ویژه شخص عمرالبشیر وجود دارد. فشارهایی که پس از محکومیت عمرالبشیر توسط دادگاه بین‌المللی لاهه افزایش یافت و اکنون نیز هم‌چنان این اهرم علیه البشیر وجود دارد. در این حال انتخابات ریاست جمهوری سودان می‌تواند هم تداوم چالشی در شرایط سیاسی فعلی سودان باشد و هم در صورت اجماع احزاب اپوزیسیون و دولت حزب حاکم و دولت جنوب سودان ثبات آینده‌ی سیاسی سودان را حفظ کند و تا زمان انجام همه‌پرسی ثبات یا اتحاد دولت‌های شمال و جنوب سودان در سال ۲۰۱۱ مردم مناطق جنوب مسیحی‌نشین را به پذیرش اتحاد و ماندن در قالب سودان واحد راضی کند.



سلطانی دیکتاتور در لباس رییس جمهور

لیبی و حکومت اقتدارگرا و شبه توتالیتر آن به رهبری معمر قزافی دهه‌ها است که پس از کودتای وی بر این کشور استوار شده است. استواری‌ای که با رفتارها و تحرکات عجیب و غریب شخص قزافی لیبی را به پیش برده است و محمد قزافی در این سال‌ها هم‌چون پادشاهی پیروزمند داعیه‌ی رهبری لیبی و حنا ادعای رهبری اتحادیه‌ی آفریقا و سرتاسر آفریقا را نیز داشته است. دولت طرابلس به رهبری قزافی از آن‌جا که بر خوان گسترده‌ی منابع غنی و زیرزمینی نفت و گاز متکی است، عملاً این دولت کم‌جمعیت اما گسترده‌ی شمال آفریقا را قادر کرده است تا به سان دولتی اقتدارگرا و متکی بر نفت سیاست‌های ویژه‌ی خود در خارج و داخل کشور اعمال کند. در طول سال‌های حکمرانی قزافی بر لیبی، حکومت لیبی هیچ‌گاه سیاست و راه‌برد مشخصی نداشته و با سخنان و رفتارهای گوناگون قزافی دولت ولی نیز راهی یک طرفه را پیش می‌رود. قزافی که به چهره‌ای مشهور و آشنا برای رسانه‌های جهانی بدل شده، گاه با چادر خویش در اجلاس‌های منطقه‌ای و

مشروعیت بین‌المللی آفریقای جنوبی را پی‌گیری کرد و اینک با گذشت دو دهه از گذشت و سقوط آپارتاید، آفریقای جنوبی نقش مهمی در قاره‌ی آفریقا یافته است. نقشی که این کشور را در رده‌ی مهم‌ترین رده‌های قاره‌ی آفریقا قرار داده است و اینک این کشور در آستانه‌ی برگزاری رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ در کشور خود است. رقابت‌هایی که نخستین بار در قاره‌ی آفریقا برگزار می‌شود و برگزاری این رقابت‌های مهم بین‌المللی در کشور آفریقای جنوبی نشان از افزایش مشروعیت سیاسی و بین‌المللی این کشور در جامعه‌ی جهانی دارد. امروزه ماندلا در بسیاری از حوزه‌های دیپلماسی و مذاکرات و بحران‌های قاره‌ی آفریقا هم‌چون زیمبابوه نقش مهمی دارد. نقشی که در کنار سیاست‌های چند بعدی دولت حزب کنگره‌ی ملی آفریقای جنوبی اهمیت این کشور را در آفریقا و جامعه‌ی جهانی افزایش داده است.



رؤیای انتخابات در سودان!؟

ژنرال عمرالبشیر رییس‌جمهور سودان در آستانه‌ی تغییرات مهمی در کشورش قرار دارد. سودان بزرگ‌ترین کشور قاره‌ی آفریقا اینک با بحران‌های متعددی روبه‌رو است. از یک‌سو بحران سیاسی داخلی و مخالفت احزاب سیاسی مخالف با دولت عمرالبشیر و از سوی دیگر بحران سیاسی غرب و جنوب این کشور، یعنی منطقه‌ی دارفور و دولت جنوب سودان، دولت خارطوم را با بحران‌های متعددی روبه‌رو کرده است. انتخابات ریاست‌جمهوری آینده‌ی کشور در شرایطی در ماه‌های آینده در سودان برگزار خواهد شد که اکنون نزدیک به ۱۰ نامزد از جمله عمرالبشیر (رییس‌جمهور فعلی) صادق المهدی (حزب امت)، یاسر عمران (جنبش مردمی آزادی بخش سودان) و چند نامزد دیگر از مدعیان پست ریاست‌جمهوری آینده‌ی این کشور هستند. علاوه بر آن اکنون سایه‌ی تهدید تحریم انتخابات هنوز از سوی دولت خودمختار جنوب سودان و برخی دیگر از احزاب اپوزیسیون وجود دارد. در این حال

را در مقابل عدم پاسخ‌گویی دولت لیبی به این کشور نشان دهد. علاوه بر این قزافی که هنوز در سیاست خود با اتکا به درآمدهای نفتی هنگفت کشورش دیکتاتوری نظام اقتدارگرایانه‌ی خود را تداوم بخشیده است، همواره با به سخره گرفتن نهادهای مدنی، دموکراسی و حقوقی شهروندان، اکنون بیش‌تر به تداوم اقتدار خانوادگی خود بر لیبی می‌اندیشد. رهبر مادام‌العمری لیبی اکنون با گذشت دهه‌ها از حکمرانی یک سویه و توتالیتر خود به فکر جانشینی فرزند خود برای حکومت بر آینده‌ی لیبی افتاده است. آیا قزافی می‌تواند قدرت را در لیبی موروثی کند و با این‌که الزامات و شرایط نوین جهانی لیبی را به سمت دیگری خواهد برد؟ آن‌چه مشخص است آینده‌ی پیش‌روی این کشور با تداوم قدرت موروثی در لیبی مانع از رشد نهادهای سیاسی و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور خواهد شد. چنان‌چه همین امروز نفت را از کشور لیبی بگیرند، کشور به دوره‌ی شترسواری، صحرانشینی و زندگی بیابانی بر خواهد گشت.



افغانستان و بازگشت روس‌ها

سقوط طالبان پس از حملات ۱۱ سپتامبر و حمله‌ی نیروهای ائتلاف در قالب نیروهای ایالات متحده و متحدان این کشور باعث آغاز نظام سیاسی جدیدی در افغانستان شد. نظامی که در دوره‌ی پسا طالبانی، نفوذ آمریکا و سازمان ناتو را در این کشور به بیش‌ترین حد خود در طول تاریخ افغانستان رساند. در این حال روس‌ها که همواره نگاه ویژه‌ای به افغانستان داشته‌اند. در دهه‌های پایانی سقوط شوروی نفوذ زیادی در این کشور به دست آوردند و حتا با حمایت از کودتا و سرنگونی نظام پادشاهی حکومتی چپ‌گرا و

کمونیست در افغانستان را به رسمیت شناختند. بعد از این دوران کرملین تا پایان سقوط حکومت کمونیست‌ها از کابل از دولت چپ‌گرای کابل حمایت کرد، اما مجاهدین در پایان توانستند به عمر حکومت چپ‌گرا در کابل پایان بخشند. این روند باعث نوعی شکست بزدلانه برای شوروی‌ها به شمار می‌رفت. در این حال پس از سقوط شوروی، روس‌ها همواره کوشیده‌اند تا با احتیاط کامل هرگونه سیاستی را در افغانستان پی‌گیری کنند، اما سقوط طالبان و روی کار آمدن حامدکرزای رئیس‌جمهور جدید افغانستان، هرچند مطلوب روس‌ها نبود، اما روس‌ها که پیشینه‌ی خوبی در افغانستان نداشتند، خواستار افزایش نفوذ سیاسی و نظامی خود در این کشور نبودند.



به علاوه امکانات سیاسی، اقتصادی و نظامی روسیه در یک دهه‌ی قبل، توان رویارویی و برابری با ناتو و آمریکا را از روسیه گرفته بود. این واقعیت باعث روی‌کردی واقع‌گرایانه از سوی روسیه شد. روی‌کردی که همراه با انتقادهای حداقلی روسیه از سیاست‌های غرب در افغانستان روبه‌رو بود، اما مسکو هرگز بر آن نبود تا سابقه‌ی بد خود در افغانستان را تکرار کند. در این حال گفت‌وگوهای آمریکا-روسیه بر سر مسایل مختلف جهانی، شرایط نوین سیاسی افغانستان، مسأله‌ی مذاکرات استراتژیک جای‌گزینی استارت ۱ و ۲ باعث شده است تا سازمان ناتو به فکر افزایش حضور روسیه در افغانستان باشد. کشورهای حاضر در افغانستان شامل آمریکا و طیفی از متحدان خویش بعد از گذشت سال‌ها از حضور در افغانستان اکنون با

چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند. یعنی از یک سو برخی از این کشورهای متحد از افزایش نیروهای خود در افغانستان سر باز زده‌اند و از سوی دیگر نیروهای بومی و ارتش افغانستان در حال گسترش هستند. در این حال ایالات متحده از چند سال گذشته به فکر استفاده از تجربیات مختلف روس‌ها در دوران دهه‌ی ۱۹۸۰ در افغانستان بوده است و بر این مبنا مذاکراتی با مقامات روسیه انجام گرفته است. در این حال روس‌ها که به نیکی از حقیقت سیاسی افغانستان آگاهند، بر آن هستند هرچند حضور و افزایش نفوذ روسیه در افغانستان فرصتی جدید برای مسکو برای تقویت همکاری‌ها و نفوذ استراتژیک در این کشور است، اما این حضور را نمی‌خواهند چندان پُررنگ و مهم جلوه دهند. به علاوه تنش‌های موجود در مناطق جنوبی و افزایش حملات نیروهای بنیادگرای طالبان و ال‌قاعده و کمبود توان لجستیکی روس‌ها در برابر نیروهای غربی و آمریکایی، آنان را از دست زدن به اقدامی عجولانه بازداشته است. در این حال ورود روسیه در افغانستان هرچند به نوعی امتیازی از سوی غرب به مسکو در قبال افزایش حضور روسیه در افغانستان تلقی می‌شود، اما روس‌ها این بار با آگاهی بر آن خواهند بود تا با انجام اقدامات حداقلی، کم‌ترین حضور نظامی را در افغانستان داشته باشند. به‌علاوه حضور در سایر حوزه‌های همکاری با غرب در افغانستان در پی امتیازگیری‌های دیگری خواهند بود. امتیازهایی که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان بهره‌گیری اقتصادی از کمک‌های غرب نام نهاد.

